



زنده‌گی زیر سلطه طالبان؛

در دوماه گذشته ۱۹ نظامی پیشین در شمال کشته شده‌اند



در دو ماه پسین تنها در سه ولایت شمال کشور ۱۹ نظامی حکومت پیشین به شیوه‌های مختلف کشته شده‌اند. اجساد بیشتر این نظامیان سلاخی شده و در دشت‌ها، بین باغ‌ها و کنار جاده‌ها گذاشته شده است. بر اساس اظهارات منابع این نظامیان پیشین در پی شکنجه توسط طالبان به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی و یا گروه داعش کشته شده‌اند. به گفته آنان، نماز جنازه و مراسم خاک‌سپاری این نظامیان پیشین نیز تحت نظارت جنگ‌جویان طالبان برگزار شده است.

۵

بی‌برنامه‌گی طالبان؛

باشنده‌گان بامیان و دایکندی از مسدود شدن راه‌های مواصلاتی نگران‌اند

۵

پیامدهای محدودیت بر زنان؛

فعالیت‌ها مومسسه متوقف و کمک‌های نقدی قطع شده است



۲

افزایش جرایم جنایی؛ دو راننده در سمنگان و فاریاب کشته شدند



بربنیاد اطلاعات منابع، موتر عثمان همراه سه فرد مسلح در شهر شیرخان ولایت جوزجان به دست نیروهای طالبان افتاده است. طالبان اما تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که گراف جرایم جنایی در ولایات افزایش یافته است. بربنیاد اطلاعات، در جریان هفته جاری چهار تن شب‌هنگام در فاریاب و سمنگان از سوی افراد مسلح به قتل رسیده‌اند.

شده است. منابع می‌گویند که این راننده محمد عثمان نام داشت و جسدش روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، از روستای اسلام‌قلعه ولسوالی شیرین‌تگاب پیدا شده است. به گفته منابع، این مرد دو روز قبل در مسیر ولسوالی‌های دولت‌آباد و شیرین‌تگاب با موترش ناپدید شده بود. منابع افزوده‌اند که موتر محمد عثمان سرقت شده است.

۸ صبح، سمنگان: منابع محلی از ولایت‌های سمنگان و فاریاب می‌گویند که در یک شبانه‌روز دو راننده موتر مسافربری در این ولایت‌ها به قتل رسیده‌اند.

منابع محلی روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که سمیع‌الله ۳۸ ساله، راننده موتر مسافربری، دو شب قبل هنگام برگشت از ولایت بلخ به سوی شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، با موترش ناپدید شده بود که سرانجام جسدش شب گذشته توسط طالبان از مربوطات شهر ایبک کشف شد.

منابع می‌افزایند که دزدان موتر سمیع‌الله را سرقت کرده و خودش را به قتل رسانیده‌اند. به گفته منابع، جسد سمیع‌الله به سردخانه شفاخانه ولایتی انتقال داده شده است. در همین حال، منابع از ولایت فاریاب به روزنامه ۸ صبح خبر می‌دهند که در ولسوالی شیرین‌تگاب این ولایت جسد یک راننده موتر مسافربری پس از دو روز ناپدید شدن، پیدا

یک عضو پیشین ارتش ملی افغانستان در ایران کشته شد

۸ صبح، کندز: منابع به ۸ صبح می‌گویند که رفیع سرداری، عضو پیشین نیروهای امنیتی افغانستان، در ایران کشته شده است.

به گفته بسته‌گان سرداری، او روز گذشته، ۱۲ جدی، در شهر تهران، پایتخت ایران، توسط یک شهروند دیگر افغانستان به قتل رسیده است.

رفیع سرداری باشنده ولایت کندز و چندین سال عضو ارتش پیشین افغانستان بود. او پس از سقوط کابل به دست طالبان، به ایران فرار کرد. براساس معلومات منابع، قاتل از ساحه فرار کرده و انگیزه این قتل هم هنوز روشن نشده است. منابع می‌افزایند که جسد این عضو پیشین ارتش در یکی از سردخانه‌های شهر تهران نگهداری می‌شود و تاکنون به خانواده‌اش سپرده نشده است.

تاکنون مراجع مسوول ایرانی نیز در این زمینه اظهار نظر نکرده‌اند.

گفتنی است که پس از سقوط کابل به دست طالبان، شمار زیادی از نیروهای امنیتی پیشین به کشورهای مختلف از جمله به ایران و پاکستان فرار کرده‌اند.



دیپلمات‌های افغانستان در ایران مانع معرفی سفیر طالبان در این سفارت شدند

عبدالقیوم سلیمانی، سرپرست کنونی و تمام دیپلمات‌های این سفارت گفته‌اند که مطابق معاهدات کنوانسیون وینا سفارت را نه برای طالبان، بلکه به کشور میزبان تسلیم خواهند کرد.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، عبدالغفور لیوال، سفیر پیشین افغانستان در تهران، از سمتش کناره‌گیری کرد و عبدالقیوم سلیمانی، معاون سفیر به سرپرستی این سفارت انتخاب شد و تا کنون نزدیک به یک‌و‌نیم سال می‌شود که در این موقف ایفای وظیفه می‌کند.



گفته‌اند که با گروه طالبان کار نمی‌کنند.

۸ صبح، کابل: یک منبع از سفارت افغانستان در ایران خبر می‌دهد که سرپرست و دیپلمات‌های سفارت افغانستان در تهران مانع معرفی سفیر جدید برای این سفارت از سوی طالبان شده‌اند. یک منبع که نخواست از وی نام برده شود، روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که وزارت خارجه گروه طالبان به‌تازگی فضل‌الله حقانی را به‌عنوان سرپرست سفارت افغانستان در تهران گماشته است.

منبع می‌افزاید که ۱۸ تن از دیپلمات‌های سفارت به‌گونه دسته‌جمعی استعفا نامه نوشته و

منع تحصیل زنان؛

امری اسلامی یا هنجاری قبیله‌ای؟



۶

طالبان ۱۳ تن از نیروی‌های جبهه‌های مقاومت و آزادی را در ولسوالی خوست بغلان اسیر گرفته‌اند



۲

طالبان ۱۳ تن از نیروی‌های جبهه‌های مقاومت و آزادی را در ولسوالی خوست بغلان اسیر گرفته‌اند



۸صبح، بغلان: منابع محلی از ولسوالی خوست بغلان خبر می‌دهند که ۱۳ تن از نیروهای جبهه مقاومت و جبهه آزادی، به‌شمول داوود خطر، یکی از فرماندهان ارشد جبهه آزادی، در این ولسوالی توسط طالبان اسیر گرفته شده‌اند.

به گفته منابع، این افراد روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، هنگامی که از سمت ولسوالی خوست به سمت ولسوالی جلگه بغلان در حرکت بودند، به دست طالبان افتاده‌اند.

منابع می‌گویند که نیروهای بازداشت‌شده این دو

جبهه با اعتماد بالای شماری از افراد نفوذی طالبان سفرشان را آغاز کرده بودند.

منابع می‌افزایند که شش تن از نیروهای بازداشت‌شده مربوط به جبهه آزادی و هفت تن دیگر اعضای جبهه مقاومت هستند. گفتنی است که در ادامه درگیری‌های جبهه مقاومت با طالبان، چند روز پیش، خیرمحمد خیرخواه، یکی از فرماندهان ارشد جبهه مقاومت ملی همراه با شماری از افراد زیر امرش در اندراب‌های ولایت بغلان جان باختند و بیش از ۳۰ جنگ‌جوی طالب نیز کشته شدند.

از انسان دموکرات تا نظام دموکراتیک

ساموئل هانتینگتون، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در آغاز دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی کتابی منتشر کرد به نام موج سوم دموکراسی و اشاره‌اش به تحولاتی بود که از سال ۱۹۷۴ به بعد در پرتگال رخ داده و به مناطقی دیگر گسترش یافته بود و اینک پیش‌بینی می‌شد که با فروریختن دیوار آهنین، دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر در مقیاس جهانی پیدا کند. هنگامی که بهار عربی به راه افتاد، شماری از تحلیل‌گران تصور می‌کردند که موج دیگری از دموکراسی‌خواهی در جهان به راه افتاده و نظام‌های دموکراتیک بیشتری پا به عرصه وجود خواهند نهاد. اما همه حوادث بدان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، پیش‌رفت و فروپاشی برخی حکومت‌ها و دولت‌ها به پیدایش دموکراسی نینجامید. در افغانستان نیز پس از تجربه دو دهه دموکراسی نیم‌بند، حاکمیتی قرون وسطایی به عرصه برگشت و اختیار زنده‌گی ملیون‌ها انسان را به چنگ گرفت.

چرا تحولات سیاسی در برخی از کشورها به شکل‌گیری نظام‌های دموکراتیک منتهی نمی‌شود؟ در حالی که دموکراسی نظام مبتنی بر خواست مردم است و چنین نظامی منطقاً باید بیشترین طرفدار را داشته باشد و عملاً خوش‌نام‌ترین نظام سیاسی در دنیای امروز است. چرا حتا تلاش‌هایی که به منظور ترویج و تحکیم دموکراسی صورت می‌گیرد، در برخی از جوامع به شکست می‌انجامد و جایز را دیکتاتوری یا هرج‌ومرج می‌گیرد؟

یکی از پاسخ‌ها به پرسش یادشده این است که تا انسان‌های دموکرات وجود نداشته باشند، نظام‌های دموکراتیک شکل نخواهند گرفت. صاحب‌نظران می‌گویند، چگونه ممکن است در جامعه‌ای متشکل از انسان‌های ناپاورمند به ارزش‌های دموکراتیک و خوی‌کرده به استبداد، استبداد به رنگ دینی یا رنگ‌های دیگر، نظامی دموکراتیک برپا شود؟ رابطه جامعه و حکومت را شماری شبیه رابطه زمین و درخت می‌دانند و معتقدند که ریشه‌های هر حکومتی را باید در فرهنگ و اجتماع مردمان آن خطه جست‌وجو کرد. نهال دموکراسی در خاک آلوده به ذهنیت‌های قرون وسطایی ریشه پیدا نمی‌کند.

انسان‌های دموکرات جامعه دموکرات تشکیل می‌دهند و دموکراسی سیاسی پس از آن پدیدار می‌شود. انسان‌های دموکرات به کسانی گفته می‌شود که به بلوغ عقلی رسیده و از دنباله‌روی کورکورانه مرجعیت‌های دیگر رها شده باشند. کسانی که مسیر زنده‌گی خود را آگاهانه و با استقلال برمی‌گزینند و به کسی دیگر اجازه نمی‌دهند که برای آنان تعیین تکلیف کند. جوامع دموکرات نیز به جوامعی گفته می‌شود که امور مربوط به قلمرو همه‌گانی را با گفت‌وگو، مشوره و توافق همه‌گانی سامان می‌دهد و به هیچ مرجعی بالاتر از خرد همه‌گانی تمکین نشان نمی‌دهد. قرارداد اجتماعی محصول خرد همه‌گانی است. تا هنگامی که خانواده به فرزندان، معلم به شاگردان، ملا به نمازگزاران، موی سفید قریه به باشندگان و دولت به مردم احترام نگذارند، آزادی‌های‌شان را به رسمیت نشناسند و به آنان حق تصمیم‌گیری و انتخاب ندهند، دموکراسی حقیقی و پایدار شکل نخواهد گرفت.

دموکراسی را باید در محیط آموزشی آموخت، در محیط اجتماعی تمرین کرد و در عرصه سیاسی برای نهادینه کردنش تلاش به خرج داد. روح دموکراسی به بند کشیدن هیولای سرکش قدرت و رام کردن آن در برابر قانون است؛ قانونی که به دست مردم و به خواست آنان ایجاد می‌شود. چنین کاری تنها در توان انسان‌های آزاده و آگاه یک سرزمین است. برای چنین آرزویی، باید سواد را همه‌گانی کرد، آگاهی سیاسی شهروندان را بالا برد و خرد همه‌گانی را به توسعه و شکوفایی رسانید.

بیماری‌های فصلی در بدخشان ۵۰ درصد افزایش یافته است

۸صبح، بدخشان: منابع صحتی در بدخشان از افزایش بیماری‌های فصلی در این ولایت خبر می‌دهند.

دکتران شفاخانه ولایتی بدخشان روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، گفته‌اند که از میان ۳۰۰ مریضی که روزانه به این نهاد درمانی مراجعه می‌کنند، ۵۰ درصد آنان به امراض تنفسی از جمله، سینه‌ویغل، زکام و سرماخوردگی مبتلا هستند. به گفته منابع صحتی در شفاخانه شهر فیض‌آباد، امکانات کافی وجود ندارد.

مرکز بدخشان، مریضان مبتلا به بیماری‌های فصلی در رده‌های مختلف سنی قرار دارند. منابع می‌افزایند که بیشتر این بیماران به بخش‌های عاجل، سراپا، سوء‌تغذیه و بخش نوزادان رجعت داده می‌شوند.

بدخشان از ولایت‌های با جغرافیای وسیع است که نزدیک به ۳۰ واحد اداری دارد. در اکثر ولسوالی‌های مرزی این ولایت، مراکز درمانی با امکانات کافی وجود ندارد.

مجاهد: مقام‌های پاکستان از اظهارات بی‌اساس اجتناب کنند

جدی، در اعلامیه‌ای گفته که این گروه از اظهارات نادرست مقام‌های حکومت پاکستان در قبال افغانستان متأسف است.

مجاهد از دولت مردان پاکستانی خواسته است که از اظهارات نادرست و بی‌اساس اجتناب کنند.

به گفته سخنگوی طالبان، چنین اظهاراتی نه به سود پاکستان است و نه هم به سود افغانستان.

سخنگوی طالبان تأکید کرده است که از افغانستان علیه کشورهای همسایه و منطقه استفاده نخواهد شد.

گفتنی است که اخیراً مقام‌های حکومت پاکستان اظهارات تندی نسبت به رویکرد طالبان با جنگ‌جویان تی‌تی‌پی داشته‌اند. در آخرین مورد، وزیر داخله پاکستان حق حمله بر پناهگاه‌های تی‌تی‌پی در خاک افغانستان را برای کشورش محفوظ دانسته است.



۸صبح، کابل: در ادامه واکنش مقام‌های طالبان به اظهارات اخیر مقام‌های پاکستانی، سخنگوی این گروه از اسلام‌آباد خواسته است که مرتکب اظهارات بی‌اساس نشود.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، روز سه‌شنبه، ۱۳

پنج عضو یک خانواده پناهجوی وزیرستان شمالی در نتیجه گازگرفته‌گی در خوست جان باختند

این خانواده‌ها پس آن به این ولایت سرازیر شده‌اند که ارتش پاکستان در سال ۲۰۱۴ عملیات نظامی را در وزیرستان شمالی بر ضد طالبان پاکستانی آغاز کرد.



۸صبح، خوست: منابع محلی از ولایت خوست خبر می‌دهند که پنج عضو یک خانواده در این ولایت جان باخته‌اند.

منابع روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، می‌گویند که این رویداد شب گذشته رخ داده است.

منابع افزوده‌اند که این پنج تن شامل یک مرد، یک زن و سه کودک‌اند و اجسادشان به بندر غلام‌خان در مرز این ولایت با پاکستان منتقل شده‌اند؛ اما تا کنون کسی برای تحویل‌گیری به محل حضور نیافته است.

گفتنی است که هم اکنون صدها خانواده از وزیرستان شمالی پاکستان در ولایت خوست، زنده‌گی می‌کنند.

ادامه قتل‌های مرموز؛ پس از غزنی جسد یک جوان در بامیان پیدا شد

۸صبح، بامیان: منابع محلی در بامیان از پیدا شدن جسد یک جوان، پس از چند روز ناپدید شدن خبر می‌دهند.

منابع محلی می‌گویند که این جوان اسحاق‌علی نام داشت و جسد او پس از چاشت روز دوشنبه، ۱۲ جدی، در ولسوالی پنجاب بامیان پیدا شده است.

به گفته منابع، جسد اسحاق‌علی پس از چند روز از داخل یک تشناب در ولسوالی پنجاب پیدا شده است.

در همین حال، فرماندهی امنیه طالبان در بامیان نیز با پخش خبرنامه‌ای پیدا شدن جسد این جوان را تأیید کرده و از بازداشت یک تن نیز در پیوند به آن خبر داده است.

اسحاق‌علی دکان‌دار خوراکیه فروشی در بازار ولسوالی پنجاب بامیان بود.

منابع محلی در پنجاب ماجرای ناپدید شدن، قتل و پیدا شدن جسد او را مرموز و از رویدادهای نادر در این ولسوالی گفته‌اند.

گفتنی است که دو روز پیش نیز جسد جوانی در مرکز غزنی، پس از چند روز ناپدید شدن، پیدا شد که با ضربات چاقو کشته شده بود.



طالبان در سمنگان فعالیت سالن‌های عروسی را متوقف کردند



۸صبح، سمنگان: منابع معتبر در سمنگان از توقف فعالیت سالن‌های عروسی در شهر ایبک، مرکز این ولایت، خبر می‌دهند.

منابع محلی روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان از روز یک‌شنبه، ۱۱ جدی، به این سو، دروازه‌های سالن‌های عروسی را در شهر ایبک بسته‌اند.

به گفته منابع، این ریاست علت این کار را جلوگیری از فحشا و تطبیق «شریعت اسلامی» بیان می‌کند.

منابع می‌افزایند که تاکنون دو محفل عروسی به‌دلیل بسته بودن درب سالن‌ها به تعویق افتاده است.

گفتنی است که تنها سه سالن عروسی در شهر ایبک فعالیت می‌کرد و باشندگان سمنگان در این مکان‌ها مراسم‌های خوشی‌شان را برگزار می‌کردند.

این اقدام طالبان با انتقاد مالکان سالن‌های عروسی و باشندگان شهر ایبک مواجه شده است.



پیامدهای محدودیت بر زنان؛

فعالیت ۱۵۱ موسسه متوقف و کمک‌های نقدی قطع شده است



امیر کاوه

هرچند طالبان پیش از سقوط نظام جمهوری به گونه غیرمستقیم از تغییر رویکرد و نگرش خود در قبال زنان سخن گفته بودند، اما پس از تسلط بر کشور زنان را به گونه کامل از حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حذف و حقوق و آزادی‌های آنان را سلب کرده‌اند. این اقدام طالبان سبب شده که دست کم ۱۵۱ موسسه غیردولتی بیشتر فعالیت‌های خود در افغانستان را توقف دهند. افزون بر این، گزارش‌ها می‌رساند که بسته‌های کمک نقدی جامعه جهانی نیز در سه هفته گذشته به کابل نرسیده است.

طالبان پس از بازگشت به قدرت، زنان را از همه عرصه‌های زندگی جمعی حذف و محدودیت‌های دست‌وپاگیری علیه آنان وضع کرده‌اند. محرومیت از حق آموزش، تحصیل و کار و ممنوعیت از سفر بدون داشتن محرم، از اقدام‌های درشت این گروه بر زنان شمرده می‌شود که به روایت زنان، طالبان «کشور را به گورستان آرزوها» مبدل و عرصه‌های زنده‌گی را به روی آنان مسدود کرده‌اند.

وزارت اقتصاد طالبان روز شنبه، ۳ جدی، با ارسال مکتوبی به موسسه‌های داخلی و خارجی فعال در کشور دستور داده که فعالیت کارمندان زن را تا امر ثانی متوقف کنند. در این مکتوب آمده است: «وزارت اقتصاد براساس مسوولیتی که دارد، به تمام موسسات هدایت می‌دهد که تا امر ثانی کار تمام کارمندان اناث که در بخش‌های مربوطه‌شان ایفای وظیفه می‌کنند را توقف دهند.» قاری دین‌محمد حنیف، وزیر اقتصاد طالبان، هشدار داده است که در صورت تخلف و تعلل از محتوای مندرج این مکتوب، جواز کار این موسسه‌ها لغو می‌شود.

با این حال، بخش زنان سازمان ملل متحد اعلام کرده که ۸۶ درصد فعالیت ۱۵۱ موسسه پس از ممنوعیت کار زنان در افغانستان متوقف شده و یا هم کاهش یافته است. این نهاد نتایج ارزیابی تازه‌اش از فعالیت موسسه‌های غیردولتی در پی ممنوعیت کار زنان در افغانستان را منتشر کرده است. بخش زنان سازمان ملل افزوده که از هر سه موسسه تحت رهبری زنان، یک موسسه ناگزیر به توقف ۷۰ درصد از فعالیت‌هایش در افغانستان شده است.

از سوی دیگر، گزارش‌ها می‌رساند که ارسال کمک‌های نقدی جامعه جهانی به افغانستان از سه هفته به این سو متوقف شده است. طبق اعلامیه «د افغانستان بانک» آخرین بسته پول نقد سازمان ملل متحد در ۲۳ قوس سال روان خورشیدی به کابل رسیده است. مقدار این پول ۴۰ میلیون دالر بوده است. این بانک پس از مواصلت هر بسته کمکی هفته‌وار به افغانستان از طریق بانک خصوصی «AIB» یک خبرنامه پخش می‌کرد، اما در سه هفته گذشته هیچ خبرنامه‌ای نشر نشده است. براساس گزارش‌ها، جامعه جهانی در یک سال و شش ماه پسین مبلغ بیش از یک میلیارد و ۷۹۳ میلیون دالر را به گونه نقدی به افغانستان زیر حاکمیت طالبان فرستاده است.

این در حالی است که نشریه «فارن پالیسی» روز جمعه، ۹ جدی، گزارش داده که هر هفته ده‌ها میلیون دالر توسط آمریکا و سازمان ملل متحد برای توزیع در سراسر افغانستان به کابل منتقل می‌شود، اما بسیاری از



شورای امنیت سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه، ۶ جدی، در بیانیه‌ای ممنوعیت حضور زنان در دانشگاه‌ها و کار در موسسات از سوی طالبان را محکوم کرده و گفته است: «تأثیرات قابل توجه و فوری بر عملیات‌های بشردوستانه در کشور، از جمله عملیات‌های سازمان ملل خواهد داشت. این محدودیت‌ها با تعهدات طالبان در قبال مردم افغانستان و همچنین انتظارات جامعه بین‌المللی در تضاد است.»

این پول‌ها اصلاً به دست نیازمندان نمی‌رسد. منابع به فارن پالیسی گفته‌اند که مقدار نامشخصی از پول‌های کمکی به افغانستان توسط طالبان دزدیده می‌شود. طبق این گزارش، کمک‌ها از اهداف اصلی خود منحرف می‌شود و در مسیر اهداف خصوصی رهبران ارشد طالبان به مصرف می‌رسد.

با این حال، کارمندان زن در موسسه‌های داخلی و خارجی که به دستور طالبان از کار برکنار شده‌اند، این تصمیم را «غیرانسانی و زن‌ستیزانه» می‌خوانند. برخی از آنان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح از دشواری روزگار و آینده مبهم خود ابراز نگرانی می‌کنند. تمنا عارف، یکی از بانوانی است که به دستور طالبان خانه‌نشین شده است. او می‌گوید: «امروز صبح، ما را مجبور کردند که از دفتر استعفا بدهیم، ما با تحمل مشکلات می‌رفتیم، امروز رسماً دفتر به روی ما بسته شد. آن‌قدر روحیه‌ام را از دست نداده بودم، اما بعضی از همکاران ما که مسوولیت خانواده را بیشتر دارند، اولاد دارند و در عین حال شوهرانشان هم وظیفه ندارند، حال خوبی نداشتند؛ کلا گریه می‌کردند.»

خانم عارف می‌افزاید: «در نظام طالبانی زن کنج خانه بنشیند، نوکر شوهرش باشد، آزادی نداشته باشد، خارج از چهاردیواری خانه فکر نکند. هیچ آینده‌ای را در این‌جا تصور نمی‌کنم و باید از این‌جا [افغانستان] بروم. تازه سمستر هفت می‌شدم که دانشگاه به رویم بسته شد. دفتر می‌رفتم، بسته شد. ما هیچ آینده‌ای نداریم، جز کنج خانه و آشپزخانه و اولادداری. می‌خواستیم نمرات سه‌ساله‌ام را از دانشگاه بگیرم، اجازه ندادند. گفتم شوهر ندارم و برادر بزرگ هم ندارم، چه کنم. اصلاً دلیل مرا نشنیدند و در ساحة دانشگاه اجازه‌ام ندادند.»

تمنا یکی از پیامدهای دستور ممنوعیت کار برای زنان را، تن دادن به ازدواج‌های اجباری و زود هنگام توصیف می‌کند و علاوه می‌کند: «امروز تازه متوجه شدم که بعضی از همکاران ما خودشان یا خواهرهای کوچک‌شان ازدواج می‌کنند. دخترهای بسیار کوچک با آدم‌هایی که سن بزرگ دارند و در خارج هستند، با آن‌ها نامزد شدند. امروز یکی از همکاران ما که شوهرش بیچاره است و پنهانی زنده‌گی می‌کند، می‌گفت چه باید بکنم. نانوائی هم یاد ندارم. در حالی که ماستری دارم. کلاً حضور ما در بین مردم یک رقم وحشتناک شده است. در مقایسه با یک ماه پیش یا دو هفته پیش، آدم‌های اطراف ما که در بلاک‌ها زنده‌گی می‌کنند و

طالب هم نیستند، نگاه‌های عجیبی به ما دارند. این‌طور فکر می‌کنید که باور طالب، باور عام مردم است. خیلی انگشت‌شمار آدم‌ها اعتراض کردند. دختران زیر سن را چه کسی به شوهر می‌دهد؟ پدرش به شوهر می‌دهد و بدتر از طالب عمل می‌کند. باور و دید مردم کمتر از طالب نیست.»

تمنا عارف بیداری زنان را مدیون تلاش‌های خودشان می‌داند و تاکید می‌ورزد: «در بیست سال گذشته اکثریت دختران با مشکلات به مکتب رفتند. کسی ما را برای رفتن به مکتب، بدرقه نکرده است. با عالمی از مشکلات و سختی‌ها مبارزه کردیم. خیلی‌ها تازه ثمره زحمت‌شان را می‌دیدند که طالب آمد. علاوه بر طالب، تیر خیلی از کسان دیگر نیز دسته پیدا کرده است. اگر بستر جامعه خواستار دختر و زن باسواد می‌بود، مردم از زنان حمایت می‌کردند، بودن ما در دخترها و مکتب‌ها و دانشگاه‌ها عادی می‌بود و ممکن چنین وضعیتی به میان نمی‌آمد.»

صفیه رضایی، بانوی دیگری است که از کار در موسسه‌ها محروم شده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که در یکی از نهادهای خارجی برای افراد دارای معلولیت در بخش صحتی کار می‌کرد و این نهاد به دلیل منع کار زنان از سوی طالبان، برای سال ۲۰۲۳ میلادی با او قرارداد امضا نکرده است. خانم رضایی می‌گوید که علاوه بر کار با این نهاد، در یکی از نهادهای همکار با برنامه جهانی غذا (WFP) نیز همکاری می‌کرده که از وظیفه سبک‌دوش شده است.

او در این نهاد به‌گونه موقتی در توزیع کمک‌ها برای زنان کار می‌کرد و قرار بود به‌زودی به‌عنوان کارمند رسمی مقرر شود. خانم رضایی می‌افزاید: «این‌ها [طالبان] می‌خواهند زنان را از جامعه حذف کنند که این اقدام تأثیرات ناگوار به‌جا مانده است. با حذف زنان در اقتصاد و آموزش و پرورش صدمه وارد کرده‌اند. جامعه ما به سمت‌وسوی تاریکی در حرکت است و به همان سمت روان هستیم.»

او تاکید می‌کند که بیکاری و محرومیت، زنان را به افسرده‌گی مبتلا کرده است: «این کار ما را به افسرده‌گی مبتلا ساخته است. به هر داکتر که مراجعه کردم، گفت که افسرده‌گی داری. پیشی روان‌شناس می‌روم، دوا می‌خورم، شب‌ها اصلاً خواب ندارم، روز هم با خود درگیرم.»

پس از آن‌که طالبان دستور ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را صادر کرده‌اند، این اقدام با واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی مواجه شده است. سازمان ملل و نهادهای زیرمجموعه آن ممنوعیت کار زنان در موسسه‌ها به شمول این سازمان را «نقض حقوق بشر و غیر قابل توجیه» خوانده‌اند.

واکنش نهادهای مختلف سازمان ملل متحد

آنتونیو گوتیش، دبیرکل سازمان ملل، روز سه‌شنبه، ۶ جدی، در توییتی گفته است این محدودیت‌ها «نقض حقوق بشر و غیرقابل توجیه است و باید لغو شوند.» او افزوده است: «اقدامات برای حذف و خاموش کردن زنان و دختران همچنان باعث رنج، عذاب و شکست‌های بزرگ برای مردم افغانستان می‌شود.»

کمیته‌های بیست‌گانه سازمان ملل

مدیران کمیته‌های بیست‌گانه سازمان ملل، هشدار داده‌اند که در نبود امدادگران زن، کمک‌های

بشردوستانه به افغانستان متوقف می‌شود. در اعلامیه مشترک این کمیته‌ها گفته شده است که برخی از برنامه‌های بشردوستانه به دلیل نبود کارمندان زن در سازمان‌های غیردولتی محلی و بین‌المللی در افغانستان موقتاً متوقف شده است. آنان تاکید کرده‌اند که ارایه کمک‌های بشردوستانه بدون امدادگران زن امکان‌پذیر نیست.

شورای امنیت سازمان ملل متحد

این شورا روز سه‌شنبه، ۶ جدی، در بیانیه‌ای ممنوعیت حضور زنان در دانشگاه‌ها و کار در موسسات از سوی طالبان را محکوم کرده و گفته است: «تأثیرات قابل توجه و فوری بر عملیات‌های بشردوستانه در کشور، از جمله عملیات‌های سازمان ملل خواهد داشت. این محدودیت‌ها با تعهدات طالبان در قبال مردم افغانستان و همچنین انتظارات جامعه بین‌المللی در تضاد است.»

صندوق جمعیت سازمان ملل متحد

صندوق جمعیت سازمان ملل روز دوشنبه، ۵ جدی، با نشر بیانیه‌ای گفته است که منع تحصیل و کار زنان با موسسات در افغانستان در تضاد با قوانین جهانی حقوق بشر قرار دارد. این نهاد به نقل از ناتالیا کانم، مدیر اجرایی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، گفته است که فرمان‌های اخیر طالبان زنان افغانستان را از آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری محروم می‌کند.

بخش زنان سازمان ملل

بخش زنان سازمان ملل روز یک‌شنبه، ۴ جدی، با نشر توییتی گفته است: «ممنوعیت زنان از کار، نقض اصول بشردوستانه است و شهروندان افغانستان را با بحران بیشتر و عمیق‌تر مواجه می‌کند.» این نهاد تاکید کرده است: «هیچ فاجعه‌ای بزرگ‌تر از حذف سهم نیمی از جمعیت افغانستان در مقابله با بحران انسانی در این کشور وجود ندارد.» سیما باهوس، مدیر اجرایی زنان در سازمان ملل، فرمان ممنوعیت کار زنان در افغانستان را «به‌شدت محکوم» کرده و گفته است که «زن ستیزی بی‌امان» طالبان ادامه دارد. در تازه‌ترین مورد فران اکویزا، معاون هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل در افغانستان، در دیدار با محمدعباس آخوند، وزیر مبارزه با حوادث طالبان، گفته است که تعلیق کار زنان در نهادهای امدادگران، پیامدهای ویرانگری برای افغانستان خواهد داشت.

با این حال ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، به بی‌بی‌سی فارسی گفته است که زنان نباید در موسسات کار کنند. او گفته است: «موسسات تحت کنترل آنان نیست، خطر برای زنان زیاد است و گزارش‌های خطرناکی هم به ما رسیده است.» سخنگوی این گروه افزوده است که دستور ممنوعیت کار زنان در موسسات برای «حفظ عزت زنان» صادر شده است.

با ممنوعیت کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی، زنان از تمام بخش‌های کاری، آموزشی و تحصیلی حذف و محروم شده‌اند. در حال حاضر به جز داکتران و پرستاران زن دیگر هیچ زنی در نهادهای داخلی و خارجی حق اجرای وظیفه را ندارد و نیز تمام مکان‌ها به شمول دانشگاه‌ها، مکتب‌های متوسطه و عالی و نهادهای آموزشی خصوصی، حمام‌ها، پارک‌ها و ورزشگاه‌ها به روی زنان مسدود است و زنان به‌گونه کامل از زنده‌گی جمعی حذف شده‌اند.

مشکل سیاست پاکستان در مبارزه با تی‌تی‌پی چیست؟

نویدحسین

روزنامه‌نگار پاکستانی

منبع:

وبسایت دی‌اکسپریس تریبون



خارجی، با گروه طالبان افغانستان که نقش مادر تی‌تی‌پی را دارد، همچون «داریبی استراتژیک» رفتار می‌شد. توقف هر گونه نیکی از طالبان افغان، منبع الهام تی‌تی‌پی، خطا بود، اما استراتژیست‌های ما را وسوسه مقابله با نفوذ فزاینده هند بر حاکمان افغان تحت حمایت غرب، کور کرده بود.

در ۱۸ اگست ۲۰۲۱، زمانی که یک طیاره نظامی هندی حامل دیپلمات‌های آن کشور از پایگاه هوایی افغانستان بلند شد و به‌طور موقت به حضور دیپلماتیک دهلی در افغانستان پایان داد، استراتژیست‌های پاکستانی خوش‌حالی خود را پنهان نکردند. مقام‌ها در اسلام‌آباد بارها هند را به شعله‌ور ساختن آتش تروریسم در پاکستان متهم کرده بودند.

پیروزی سریع طالبان، فرار دراماتیک رییس جمهور اشرف غنی، خروج پرهرج‌ومرج نیروهای خارجی و سقوط کابل، نشانه‌های موفقیت استراتژی ما در افغانستان خوانده شدند. جنرال فیض حمید، رییس وقت آی‌اس‌آی، برای نمایش موفقیت استراتژیک پاکستان به کابل سفر کرد و آن‌جا سرخوشانه به جهانیان مضطرب اطمینان داد که «نگران نباشید، همه چیز درست خواهد شد». پس از او صدراعظم عمران خان، افغان‌ها را به خاطر «شکستن حلقه برده‌گی» تحسین کرد.

این سرخوشی دوام نیاورد. ده‌ها فرمانده و جنگ‌جوی تی‌تی‌پی بعد از سقوط کابل از زندان‌ها رها شدند. پیروزی طالبان افغان، تحریک طالبان پاکستان را در نیروی تازه بخشید و آزادی عملیاتی بیشتری را در اختیارش قرار داد. پس از آن حملات تی‌تی‌پی افزایش یافت. ارقام غیررسمی حاکی از افزایش ۵۱ درصدی خشونت‌های تروریستی بین ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا ۱۴ اگست ۲۰۲۲ است. براساس آماری که توسط موسسه مطالعات صلح پاکستان تهیه شده است، در مدت یک سال پس از به قدرت رسیدن طالبان حداقل ۴۳۳ تن در ۲۵۰ حمله در سراسر پاکستان کشته و ۷۱۹ تن زخمی شدند.

جای تعجب است که این اتفاقات باعث برآشفته‌گی مقام‌های پاکستان نمی‌شد. در آن زمان، یک مقام ارشد امنیتی طی جلسه‌ای، تلاش کرد تا افزایش حملات تی‌تی‌پی را کم‌اهمیت جلوه دهد. او باور داشت که در عرض «چهار تا پنج ماه» حاکمان جدید افغانستان حاکمیت خود را تثبیت می‌کنند و پس از آن موج ترور تحریک طالبان پاکستان فروکش خواهد کرد.

به رغم تقاضای مکرر مقام‌های پاکستانی، رژیم طالبان نسبت به سرکوب تحریک طالبان پاکستان متعهد نبود. در عوض، سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله رژیم موقت طالبان، پیشنهاد داد تا برای تسهیل مذاکرات صلح بین دو طرف میانجی‌گری کند. پاکستان با وجود تجربیات تلخی که در گذشته از مذاکرات با تی‌تی‌پی داشت و دیده بود که آن گروه از گفت‌وگوها همچون فرصت سازمان‌دهی مجدد و تجدید قوا استفاده می‌کند، این پیشنهاد حقانی را پذیرفت. جنرال فیض حمید که در آن زمان قوماندان قول‌اردوی پیشاور بود، بر مذاکرات نظارت داشت. در آن مذاکرات بزرگان قبایل پاکستان نیز شرکت داشتند. گفت‌وگوهای مستقیم با تی‌تی‌پی که در آن نماینده‌گان دولت با نماینده‌گان یک گروه تروریستی پشت میز مذاکره می‌نشستند و به آن گروه مسلح غیردولتی مشروعیت می‌بخشیدند، ایده بدی بود. ماه‌ها مذاکرات پشت پرده به میزبانی حقانی در ماه

نظامی دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. یک مقام پاکستانی در ماه دسامبر گفت: «وضعیت در بخش‌هایی از خیبرپختون‌خواه، به‌ویژه در مناطق قبایلی، به حدی روبه‌وخامت گذاشته است که چاره‌ای جز انجام حمله نظامی بزرگ دیده نمی‌شود.»

بنابراین، ما به نقطه اول برگشتیم. اداره ملی مبارزه با تروریسم (ناکتا) در گزارش اخیر خود گفته است که تحریک طالبان پاکستان از روند صلح برای انسجام و سازمان‌دهی مجدد بهره گرفته است. در گزارش آمده است: «تی‌تی‌پی در جریان پروسه صلح، جایگاه قابل توجهی به دست آورد. حوزه نفوذ و وسعت فعالیت‌های خود را افزایش داد. خروج نیروهای امریکایی از افغانستان به فعالیت‌های تحریک طالبان پاکستان نیرو بخشید و پایگاه آن در افغانستان دست‌نخورده باقی مانده است.» از قضا، دیگر هیچ‌کس حاضر نیست مالکیت ابتکار صلحی در حال نابودی را به دست گیرد. دولت ایتلافی کنونی، سلف خود، به‌ویژه عمران خان را به دلیل آغاز «مذاکرات با کسانی که شاگردان ما را در مکتب دولتی اردو به شهادت رساندند» سرزنش می‌کند.

رانا ثناالله، وزیر داخله پاکستان، در ماه جون گفت که پارلمان به اردو اجازه داده است تا با تحریک طالبان پاکستان گفت‌وگو کند. یک روز بعد، سیاست‌مدار ارشدی که عضو یکی از احزاب متحد دولت کنونی است، ادعای ثناالله را رد کرد و گفت ادر نشستی که ایشان آن را سند تایید پارلمان می‌خواند مسوولان اردو اطلاعاتی را با یک هیات پارلمانی درباره مذاکراتی که قبلاً در جریان بود، در میان گذاشتند. رضا ربانی از حزب مردم پاکستان گفت: «اردو برای مذاکره با تحریک طالبان پاکستان هیچ مجوزی از پارلمان دریافت نکرده است.»

آیا توافق از طریق مذاکره امکان‌پذیر است؟

جواب کوتاه این است که احتمالاً نه.

خواسته‌های اصلی تی‌تی‌پی چیزی شبیه تسلیم شدن دولت است. تی‌تی‌پی با امتناع از به‌زمین‌گذاشتن سلاح و انحلال تشکیلاتش و اصرار بر لغو ادغام مناطق خودمختار قبایلی سابق به خیبرپختون‌خواه، برنامه‌های شوم خود را برای ایجاد یک «مارت کوچک» خودخوانده و صدور تدریجی ایدئولوژی ارتجاعی‌اش به سایر مناطق پاکستان اعلام کرده است. پیروزی طالبان در افغانستان این باور را تقویت کرده است که تحریک طالبان پاکستان، به‌ویژه در زمانی که پاکستان از نظر سیاسی ناپایدار و از نظر اقتصادی شکننده است، می‌تواند اهدافش را تحقق بخشد. این گروه همچنین می‌داند که جنگ‌جویانش اکنون عملاً از امتیاز پناهنده‌گی در افغانستان برخوردارند و در میان ساکنان آن سرزمین به‌آسانی پنهان شده می‌توانند.

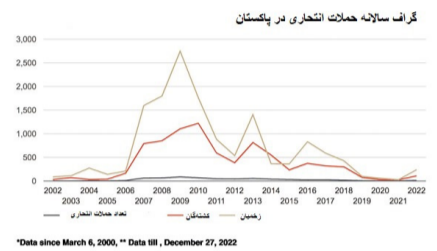
رژیم طالبان انگیزه‌ای برای سرکوب تحریک طالبان پاکستان ندارد. آن‌ها هرگز دوست ندارند برادران مسلح سابق خود را بیگانه و دشمن بسازند؛ زیرا از پیوستن آنان به گروه رقیبش داعش خراسان هراس دارند. در عین حال خصومت با تی‌تی‌پی در صفوف طالبان افغانستان شکاف ایجاد می‌کند و وابسته‌گی ایدئولوژیک و دوستی قومی آن‌ها را با ساکنان مناطق قبایلی به خطر می‌اندازد. مناطق مرزی پاکستان همیشه برای طالبان افغانستان پناه‌گاه و حامی بوده است. رژیم طالبان که به‌طور فزاینده‌ای رفتار مشکوک از خود نشان می‌دهد، می‌داند که برای چانه‌زنی با پاکستان می‌تواند از اهرم تی‌تی‌پی استفاده کند.

رژیم طالبان تلویحاً تقاضای تی‌تی‌پی برای لغو ادغام مناطق قبایلی را تایید می‌کند و معتقد است که این تقاضا هم‌سوم با نگرانی‌های افغانستان در مورد محدودیت‌های وضع‌شده بر رفت‌وآمد آزاد ساکنان دو سوی خط دیورند است؛ خطی که توسط اردوی پاکستان حصارکشی شده است. تنش‌های مرزی اخیراً به درگیری‌های مرگ‌بار بین نیروهای امنیتی دو کشور و حتا درگیری دیپلماتیک تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد که طالبان در تلاش‌اند از طریق تامین روابط دوستانه با کشورهای دیگر، اتکای دیرینه خود به حمایت پاکستان را کاهش دهند. از زمان به قدرت رسیدن طالبان، تعداد کمی از مقام‌های ارشد آن گروه از اسلام‌آباد دیدن کرده‌اند. در عوض، آن‌ها ترجیح داده‌اند که در دوحه با ایالات متحده تعامل دیپلماتیک داشته باشند. هند به محاسبات افغانستان بازگشته و با اعزام دیپلمات‌ها به سفارتش در کابل، رژیم طالبان را به رسمیت شناخته است.

ادامه در صفحه ۷

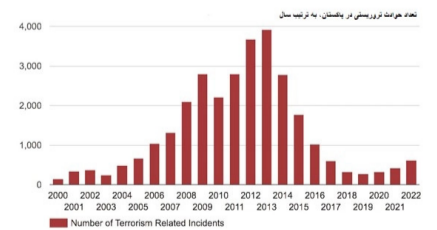
جون به نتیجه رسید. منابع آگاه از آن گفت‌وگوهای غیرعلنی می‌گویند که جنرال فیض حمید برای کسب امتیاز شخصی و افزودن به افتخاراتش، دستاوردهای مبارزه با تروریسم کشور را به خطر انداخت و در بدل آتش‌بس شکننده امتیازات بسیاری به تی‌تی‌پی داد.



متعاقباً، جنگ‌جویان تی‌تی‌پی در مناطق مرزی پاکستان، به‌ویژه سوات، دوباره ظاهر شدند تا بخت خود را بیازمایند. برداشت عمومی این بود که تی‌تی‌پی با تایید ضمنی مقام‌های کشور به صحنه برگشته است. حملات هدف‌مند بر سران قبایل و سیاست‌مداران، اخاذی و حتا اختطاف مقام‌های امنیتی از سر گرفته شد. مردم محل علیه بازگشت مصیبت تی‌تی‌پی دست به اعتراض زدند. تظاهرات گسترده‌ای در مناطق مختلف سوات برگزار شد و به تلاش‌ها برای بازگرداندن و مشروعیت بخشیدن به گروه عقب‌گرای طالب در منطقه‌ای که در گذشته حاکمیت ترور را تجربه کرده بود، نه گفتند.

یک ماه پس از آتش‌بس، ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در یک حمله طیاره بی‌سرنشین امریکا در محله شیرپور کابل کشته شد. ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، انگشت اتهام را به سمت پاکستان نشانه رفت و تنش‌ها بین دو همسایه عریان گشت. ملا یعقوب در یک کنفرانس خبری گفت: «براساس اطلاعات ما، طیاره‌های بی‌سرنشین از طریق پاکستان به افغانستان وارد می‌شوند و از حریم هوایی پاکستان استفاده می‌کنند. ما از پاکستان می‌خواهیم که از حریم هوایی خود علیه ما استفاده نکند.» اسلام‌آباد این اتهام را رد کرد. پس از این تنش‌ها ابتکار صلح با میانجی‌گری حقانی با سکوت پایان یافت و طالبان کوشیدند در واکنش به حمله علیه الظواهری، از نفوذ خود بر تی‌تی‌پی برای وارد ساختن فشار بر پاکستان، بهره بگیرند.

در اواخر ماه اگست، پنج فرمانده ارشد تحریک طالبان پاکستان، از جمله عبدالولی ملقب به عمر خالد خراسانی، عضو موسس این گروه، و عبدالرشید با نام مستعار عقاب باجوری، رییس اطلاعات تی‌تی‌پی، در حملات هدف‌مند در خاک افغانستان کشته شدند. تی‌تی‌پی، سازمان‌های امنیتی پاکستان را مقصر دانست و بدون آن‌که آتش‌بس را علناً لغو اعلام کند، حملات پراکنده «تلافی‌جویانه» را از سر گرفت. طالبان پاکستانی اعتراف کرده‌اند که تنها در ماه نوامبر نزدیک به ۶۰ حمله انجام داده‌اند.

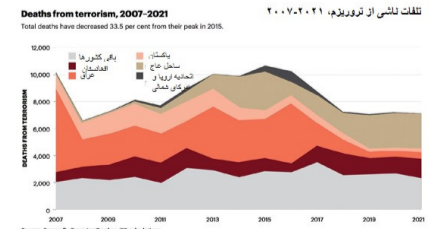


ابتکار صلح، به‌ویژه پس از تبدیلی فیض حمید از قوماندانی قول‌اردوی پیشاور و درگیر شدن حقانی به مقابله با موج تازه حملات داعش خراسان، به پایان رسید. تحریک طالبان پاکستان وقتی دید مذاکرات بر سر تحقق خواسته‌های کلیدی‌اش نتیجه نمی‌دهد، هم‌زمان به سفر یک هیات بلندپایه پاکستانی به کابل در اواخر ماه نوامبر، پایان آتش‌بس را اعلام کرد. موج جدیدی از حملات به دنبال آن آغاز شد و در حلقات تصمیم‌گیری پاکستان سخن از راهاندازی عملیات

وحشت تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) دوباره برگشته است؛ اما باید پرسید که آیا اطلاق کلمه برگشت، برای این وضعیت مناسب است؟ آیا تی‌تی‌پی هرگز تا امروز دست از کمپین تروریستی در پاکستان برداشته است؟ نه، برنداشته است. آتش‌بسی که در ماه نوامبر گذشته لغو گردید، از زمان اعلام آن در ماه جون پارسال بارها توسط این گروه نقض شد. دولت پاکستان به توهم استقرار صلح، چیزی در این زمینه به مردم نمی‌گفت. اعلام رسمی پایان آتش‌بس از سوی تی‌تی‌پی، در واقع آخرین میخ بر تابوت ابتکار صلحی بود که به میانجی‌گری رهبران طالبان افغانستان روی دست گرفته شده بود. این اولین باری نبود که دولت پاکستان با تی‌تی‌پی وارد مذاکره می‌شد، بلکه پیش از آن نیز چندین بار تلاش کرده بود، اما تلاش‌هایش نتیجه نداد.

مشکل استراتژی مبارزه با تی‌تی‌پی چیست؟ در یک کلام: نزلزل.

از زمانی که تی‌تی‌پی در دسامبر ۲۰۱۴ با حمله بر مکتب اردو در پیشاور، خون‌بارترین اقدام تروریستی‌اش را انجام داد، تا امروز دولت پاکستان بین سازش و توسل به نیروی نظامی در نوسان بوده است. آن حمله، در نبرد پاکستان علیه تروریسم داخلی، اتفاق تعیین‌کننده بود و ملت پاکستان را علیه تی‌تی‌پی متحد کرد. نماینده‌گان همه احزاب سیاسی برای تدوین استراتژی ۲۰ ماده‌ای مبارزه با تروریسم که اکنون به‌عنوان برنامه اقدام ملی (NAP) شناخته می‌شود، گرد آمدند. عملیات ضرب‌عصب که قبلاً در منطقه وزیرستان برای نابودی حکومت دیفکتوی تی‌تی‌پی در جریان بود، تسریع شد و به مناطق دیگر در امتداد مرز افغانستان، گسترش یافت. همچنین برای معرفی اصلاحات سیاسی جهت خنثا کردن روایت افراط‌گرایان مذهبی، تلاش هماهنگ در سراسر کشور آغاز شد. هدف، کسب دستاوردهای ملموس، قابل سنجش و برگشت‌ناپذیر در برابر تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز خوانده می‌شد. کمیته‌های نظارتی در سطوح فدرال و ایالتی برای نظارت بر اجرای برنامه اقدام ملی تشکیل شد. برای رفع «تهدید باقی‌مانده/نهفته تروریسم» و تثبیت دستاوردهای حاصل از عملیات نظامی قبلی، عملیات تازه‌ای به نام ردالفساد راه‌اندازی شد. عملیات نظامی موفقیت‌آمیز بود. تی‌تی‌پی و نیروهای وابسته به آن، زده‌وزخمی اما نشکسته به خاک افغانستان گریختند تا زخم‌های‌شان را بهبود بخشیده و در پناه‌گاه‌های امن آن‌جا به سازمان‌دهی مجدد بپردازند.



برنامه اقدام ملی، از تحرک بازماند و با کاهش خشونت تی‌تی‌پی، اولویت‌های ما به مسیرهای دیگر تغییر یافت. تی‌تی‌پی رسماً بزرگ‌ترین تهدید برای دولت پاکستان شناخته می‌شد، اما برای دستیابی به اهداف سیاست

دردوماه گذشته ۹ نظامی پیشین در شمال کشته شده‌اند

۸ صبح، فاریاب

در دو ماه پسین تنها در سه ولایت شمال کشور ۱۹ نظامی حکومت پیشین به شیوه‌های مختلف کشته شده‌اند. اجساد بیشتر این نظامیان سلاخی شده و در دشت‌ها، بین باغ‌ها و کنار جاده‌ها گذاشته شده است. براساس اظهارات منابع این نظامیان پیشین در پی شکنجه توسط طالبان به اتهام همکاری با جبهه مقاومت ملی و یا گروه داعش کشته شده‌اند. به گفته آنان، نماز جنازه و مراسم خاک‌سپاری این نظامیان پیشین نیز تحت نظارت جنگ‌جویان طالبان برگزار شده است. براساس آمارهای موجود در دو ماه گذشته هفت نظامی پیشین در سمنگان، شش جسد سلاخی شده در فاریاب و شش جسد دیگر در ولایت بلخ پیدا شده است.

منابع مردمی در شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که روز پنج‌شنبه هفته گذشته (۲ جدی) جسد سلاخی شده ضیالدین از یک باغ واقع در کارته سبز شهر ایبک کشف شده است. به گفته منابع مردمی، آثار شکنجه در جسد او دیده شده است. یکی از فعالان مدنی که خواست نامش در این گزارش درج شود، گفت که در جریان یک ماه گذشته چهار جسد از نقاط مختلف شهر ایبک توسط مردم محل کشف شده و آثار شکنجه در وجود آنان قابل مشاهده بوده است. این فعال مدنی علاوه کرد که جنگ‌جویان طالبان به اقارب این جان‌باخته‌گان توضیح داده‌اند که آنان به جرم پیوستن به گروه داعش کشته شده‌اند. در حالی که به گفته این فعال مدنی، طالبان هیچ سندی در اختیار ندارند که ثابت بسازد این افراد به گروه داعش پیوسته و یا فعالیتی در این زمینه داشته‌اند.

این فعال مدنی در سمنگان همچنان گفت که حدود ۱۸ روز پیش جسد سلاخی شده زمری ۲۷ ساله از روستای شریک‌یار، جسد بدون سر امام‌الله ۳۱ ساله از روستای دشت قره‌شیباغ و جسد سلاخی شده نجیب‌الله که حدوداً ۳۰ تا ۳۴ سال عمر داشت، از یکی از باغ‌های روستای کارته کشف شده است. به سخن او، آخرین جسد سلاخی شده از ضیالدین است که پنج روز پیش از یک باغ در روستای کارته سبز توسط مردم کشف شده است.

در همین حال، احمدالله، یکی از رییسان شورای انکشافی در شهر ایبک، به روزنامه ۸ صبح توضیح می‌دهد که هر چهار فردی که اجساد سلاخی شده آن‌ها از روستاهای مختلف این شهر توسط مردمان محل کشف شده‌اند، در صفوف اردوی ملی و پولیس ملی حکومت پیشین وظیفه انجام داده بودند.

همچنان عرفان که راننده موتر مسافربری در ولسوالی

خرم‌سورباغ است، علاوه می‌کند که جسد بدون سر صد ۳۰ ساله از مرکز این ولسوالی توسط یکی از کشاورزان کشف شده است. به سخن او، صمد یکی از نظامیان قول‌اردوی ۲۰۹ شاهین در شمال کشور بود که در عقب سال روان میلادی از ایران برگشته و مشغول چوپانی بود. همچنان جسد دو جوان دیگر که در ولسوالی دره‌صوف پایین این ولایت کشف شده، مربوط حسن‌علی و رضا بوده‌اند. به گفته منابع محلی، این دو جوان در معدن زغال‌سنگ کارگر بودند و حدود دو هفته پیش هنگام برگشت از ولسوالی به شهر ایبک، در مسیر راه ناپدید شده و بعداً اجساد تیرباران شده آنان در شاهراه ایبک - دره‌صوف توسط راننده‌گان موترهای باربری کشف شده‌اند. به نقل از منابع، افراد طالبان حسن‌علی و رضا را به اتهام ارتباط با داعش بازداشت و تیرباران کرده‌اند.

کشف شش جسد سلاخی شده نظامیان پیشین در فاریاب

منابع محلی ادعا دارند که این نظامیان حکومت پیشین از سوی جنگ‌جویان طالبان به شکل مرموز به قتل رسیده و سپس خانواده‌های آن‌ها از سوی جنگ‌جویان طالبان تهدید به مرگ شده‌اند تا شکایتی در مورد کشته شدن فرزندان خود در مراجع رسمی ثبت نکنند. منع می‌افزاید که حتا نماز جنازه و مراسم خاک‌سپاری این نظامیان پیشین زیر نظارت جنگ‌جویان طالبان برگزار شده است. رسول هاشمی (نام مستعار) یکی از فعالان حقوق بشر است که به‌عنوان «فولکل پوینت» در یکی از نهادهای حقوق بشری بین‌المللی در شهر میمنه وظیفه اجرا می‌کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح از کشف سه جسد سلاخی شده در شهر میمنه، دو جسد بدون سر در ولسوالی قیصار و یک جسد دیگر در ولسوالی پشتون‌کوت خبر می‌دهد.

آقای هاشمی می‌گوید که حیدر و سمیع‌الله دو تن از نظامیان حکومت پیشین بودند که جسد‌های آن‌ها با آثار شکنجه، پس از ناپدید شدن ده‌روزه در شهر میمنه توسط مردم محل کشف شده‌اند. او می‌افزاید که حیدر و سمیع‌الله در صفوف قطعه مغرزه «خیزش‌های مردمی» ریاست امنیت ملی فاریاب وظیفه انجام داده و پس از تسلط طالبان بر کشور، به شهر کابل آواره شده بودند. به گفته آقای هاشمی، جنگ‌جویان طالبان به تاریخ ۷ قوس امسال این دو تن را شب‌هنگام از خانه‌هایشان بازداشت کرده و به جایی نامعلوم منتقل کردند و پس از ۱۰ شبانه‌روز بسته‌گان آنان از طریق حوزه چهارم امنیتی طالبان از کشف اجساد آنان مطلع شدند.

تهدید خانواده‌های قربانیان از سوی نیروهای استخبارات طالبان

رسول هاشمی همچنان ادعا دارد که افراد طالبان بسته‌گان این دو نظامی پیشین را تهدید به مرگ کرده‌اند تا علیه آنان در هیچ مرجع رسمی شکایت درج نکنند و همچنان از مصاحبه با رسانه‌ها خودداری کنند. به باور آقای هاشمی، طالبان به دلیل ایجاد وحشت و انتقام‌جویی، این دو نظامی حکومت پیشین را پس از شکنجه سلاخی کرده‌اند. این فعال حقوق بشر همچنان از کشف جسد فرد دیگری که با چاقو سلاخی شده است، سخن می‌گوید. او توضیح می‌دهد: «هدایت‌الله ۳۵ ساله در مربوطات ناحیه دوم شهر میمنه که در حدود ۵۰۰ متری حوزه دوم پولیس طالبان در وقت نماز صبح روز جمعه هفته گذشته کشته شد، توسط مردم محل کشف شده است. هدایت‌الله به شکل مرموز به قتل رسیده و سپس جسدش در کنار سرک عمومی توسط افراد ناشناس انداخته شده بود.» تاکنون علت و انگیزه قتل هدایت‌الله روشن نشده است.

از سوی دیگر در جریان دو هفته گذشته جسد‌های دو جوان در رویدادهای جداگانه توسط مردم محل در ولسوالی قیصار ولایت فاریاب کشف شده‌اند. به گفته منابع محلی، دو پسری که ۲۰ و ۲۳ سال عمر داشتند، از سوی افراد ناشناس به قتل رسیدند. طالبان در ولسوالی قیصار این رویداد را ناشی از خصومت‌های خانوادگی عنوان می‌کنند.

طبق معلومات منابع، مجتبا در چوکات پولیس ملی حکومت پیشین در فرماندهی امنیه ولسوالی پشتون‌کوت به‌عنوان راننده وظیفه انجام می‌داد. جسد تیرباران شده او به تاریخ اول جدی از مربوطات مرکز ولسوالی قیصار توسط یکی از راننده‌گان موترهای مسافربری کشف شده است.

کشف شش جسد نظامیان پیشین در بلخ

در کنار این‌همه، شماری از اعضای نهادهای جامعه مدنی در بلخ در ماه قوس سال روان خورشیدی به رسانه‌ها گفته‌اند که در جریان دو ماه پسین (عقرب و قوس) شش تن از نظامیان حکومت پیشین به‌گونه مرموز کشته شده‌اند. براساس اظهارات منابع، نزدیکان این قربانیان از ترس طالبان نخواسته‌اند این قتل‌ها رسانه‌ای شود. منابع تأیید می‌کنند که هر شش جسد مربوط به نظامیان حکومت پیشین بوده که به دلیل فشار جنگ‌جویان طالبان هویت آنان در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته است.

منابع دیگر در شفاخانه ولایتی بلخ می‌گویند که اجساد افرادی که به‌شکل مرموز به قتل رسیده‌اند، توسط

جنگ‌جویان طالبان به سردخانه این شفاخانه منتقل شده‌اند. به گفته یک منبع، طالبان هنگام تسلیمی اجساد، از بسته‌گان آنان تعهد گرفته‌اند که در مورد چگونگی قتل آنان با رسانه‌ها صحبت نکنند. یکی از داکتران این شفاخانه به شرط فاش نشدن هویتش تأیید می‌کند که بسته‌گان و اعضای خانواده‌های این نظامیان پیشین از سوی طالبان تهدید به مرگ شده‌اند تا علیه آنان در رسانه‌ها و مراجع رسمی شکایت درج نکنند.

طالبان در ولایت‌های سمنگان، فاریاب و بلخ تاکنون درباره چگونگی این قتل‌های مرموز چیزی نگفته‌اند، اما افزایش کشتار نظامیان حکومت پیشین و غیرنظامیان توسط تفنگ‌داران مسلح سبب نگرانی باشندگان این ولایت‌ها شده است. به باور باشندگان سمت شمال، طالبان عامل قتل نظامیان حکومت پیشین‌اند و همواره در مقابل جنایات ضدبشری و کشتار نظامیان حکومت پیشین و غیرنظامیان سکوت اختیار می‌کنند.

شمس‌الله محمدی، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در فاریاب و امدادالله مهاجر، رییس اطلاعات و فرهنگ این گروه در سمنگان اما علت این قتل‌ها را «خصومت‌های شخصی» عنوان می‌کنند.

این‌همه در حالی است که نظام جمهوری به تاریخ ۲۴ اسد سال گذشته خورشیدی در پی فرار محمدآشرف غنی، رییس جمهور پیشین کشور، فرو ریخت و طالبان پایتخت را تصرف کردند. ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، با تصرف کشور عفو عمومی اعلام کرد و گفت همه نظامیان پیشین شامل این فرمان می‌شوند و نباید نگران جان و مال خود باشند. در یک‌ونیم سال حاکمیت طالبان بر کشور اما صدها نظامی پیشین، خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و افرادی که علیه طالبان صدا بلند کرده‌اند، از سوی این گروه بازداشت، شکنجه و در مواردی کشته شده‌اند.

شهروندان کشور با انتقاد از طالبان می‌گویند که فرمان «عفو عمومی» این گروه دروغی بیش نبوده است. در حال حاضر بیشتر نظامیان پیشین به کشورهای همسایه پناه برده‌اند. شمار دیگری که در داخل کشور هستند، با ترس و هراس روز و شب خود را سپری می‌کنند. طالبان در کنار این‌که حاضر نشده‌اند نظامیان حکومت پیشین را در بدنه نظام خود جذب کنند، با بیشتر آنان رفتار خصمانه دارند. هرچند سازمان‌های حقوق بشری بارها از طالبان خواسته‌اند که به وعده عفو عمومی خود پای‌بند باشند و با نظامیان پیشین برخورد خصمانه نداشته باشند، اما این گروه هنوزهم از بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان سرشناس پیشین دست برنداشته است.

بی‌برنامه‌گی طالبان؛

باشنده‌گان بامیان و دایکندی از مسدود شدن

راه‌های مواصلاتی نگران‌اند

۸ صبح، بامیان

باشنده‌گان ولایت‌های بامیان و دایکندی در مناطق مرکزی کشور از مسدود شدن راه‌های مواصلاتی در اثر برف‌باری، برف‌کوچ، یخبندان و توفان‌های شدید در زمستان جاری ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته آنان، در صورتی که مسوولان محلی طالبان در جریان برف‌باری و توفان‌های شدید راه‌های مواصلاتی را به روی وسایط نقلیه و مسافران بازگشایی نکنند، آنان با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند شد. آنان طالبان را به بی‌برنامه‌گی متهم می‌کنند و هشدار می‌دهند که در نتیجه بی‌برنامه‌گی این گروه، بهای مواد غذایی و سوختی افزایش خواهد یافت و بیماران از رسیدن به مرکزهای صحتی باز خواهند ماند. منابع تأیید می‌کنند که ریاست‌های فواید عامه طالبان در این ولایت‌ها تاکنون با هیچ شرکتی درباره بازگشایی مسیرها در زمستان جاری قرارداد نبسته‌اند.

محمد، باشنده ولسوالی ورس بامیان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که ورس و پنجاب از ولسوالی‌های دورافتاده، محروم و دشوار‌گذر این ولایت‌اند که باشنده‌گان آن‌ها در همه فصل‌های سال به دلیل دشوار‌گذر بودن و خرابی راه‌های مواصلاتی دچار مشکلات فراوانی‌اند، اما این مشکلات در فصل زمستان به دلایل بارش برف، سرازیر شدن برف‌کوچ، یخبندان و توفان‌های شدید، افزایش می‌یابد. به گفته محمد، در مواقعی راه‌های مواصلاتی که پنجاب و ورس را به مرکز بامیان وصل می‌کند، یک تا دو هفته مسدود می‌ماند.

جاده‌ای که ولسوالی‌های پنجاب و ورس بامیان را به مرکز

به گفته او، در سال‌های گذشته موارد زیادی در ولسوالی میرامور رخ داده که بیماران به دلیل بسته شدن راه‌ها در پی برف‌باری و توفان، پیش از رسیدن به مرکز صحتی، در مسیر راه جان داده‌اند. او می‌افزاید: «خانم‌هایی که زایمان داشته، کودکان و کهن‌سالان هم در مسیر راه به دلیل این‌که چندین شبانه‌روز در کوتل‌ها گیر مانده، از بین رفته‌اند.»

حبیب‌الله، باشنده ولسوالی شهرستان دایکندی، می‌گوید: «نگران زمستان و راه‌بندی هستیم. از مسوولان می‌خواهم که قبل از برف‌باری‌ها و توفان‌های سنگین و شدید برای بازگشایی راه‌های مواصلاتی در سطح ولسوالی و ولایت تدابیری داشته باشند تا مردم دچار مشکل نشوند.»

با این حال یک منبع معتبر از دایکندی که درخواست نامش در این گزارش درج شود، به روزنامه ۸ صبح گفت در حالی که دو هفته از آغاز فصل زمستان سپری شده است، ریاست فواید عامه طالبان در این ولایت با هیچ شرکت خصوصی برف‌پاکی درباره پاک‌کاری مسیرهای مواصلاتی دایکندی قرارداد نبسته است.

مسوولان ریاست‌های فواید عامه در ولایت‌های بامیان و دایکندی در سال‌های پیش، قبل از آغاز فصل زمستان مسوولیت برف‌روبی و گشایش مسیرهای مواصلاتی را از طریق قرارداد به شرکت‌های خصوصی واگذار می‌کردند و در جریان زمستان از روند کار این شرکت‌ها نظارت می‌کردند. هرچند خواستیم دیدگاه مسوولان محلی طالبان در ولایت‌های بامیان و دایکندی را نیز داشته باشیم، اما با تلاش‌های پیهم موفق نشدیم.

بامیان و دایکندی از ولایت‌های سردسیر و کوهستانی در مرکز کشورند. با اندک‌ترین بارندگی، رفت‌وآمد در مسیرهای مواصلاتی این ولایت‌ها دشوار می‌شود و در فصل زمستان بیشتر این مسیرها به شمول شاهراه‌هایی که دایکندی، غور و بامیان را به کابل وصل می‌کنند، در کوتل‌های «قوناق»، «بکک»، «شاتو»، «حاجی‌گک» و «شیر» در پی برف‌باری، برف‌کوچ، توفان و سرما مسدود می‌شود.



از طریق پروان به کابل وصل می‌کند، نسبت به کوتل حاجی‌گک کمتر برف می‌گیرد، اما دور است. از همین خاطر راننده‌گان بیشتر از حاجی‌گک رفت‌وآمد می‌کنند؛ زیرا نزدیک است. در زمستان هر باری که برف‌باری می‌شود، کوتل حاجی‌گک دو روز تا یک هفته بسته می‌شود.»

در همین حال، شماری از باشنده‌گان ولایت دایکندی نیز روایت‌های مشابه از زمستان و مسدود شدن راه‌های مواصلاتی به دلایل برف‌باری، برف‌کوچ، توفان و سرما دارند. رحمت‌الله، باشنده ولسوالی میرامور این ولایت، به روزنامه می‌گوید که در جریان زمستان در هر بار برف‌باری یک هفته تا ۱۰ روز راه مواصلاتی این ولسوالی با مرکز دایکندی و ولسوالی‌های هم‌جوار مسدود می‌شود که این مشکل سبب بلند رفتن بهای مواد غذایی، مواد سوخت و دیگر اجناس مورد نیاز در این ولسوالی می‌شود.

منع تحصیل زنان؛

امری اسلامی یا هنجاری قبیله‌ای؟

تحصیل، آگاهی، آموزش و کسب دانش از جمله مقوله‌هایی است که حق طبیعی و اساسی بشریت شمرده می‌شود. این مقوله‌ها چون حقوق طبیعی و اولیه انسان است، هیچ کسی حق سلب و مانع شدن آن‌ها را ندارند. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حق (آموزش) را برای هر کودکی از بدو تولد محترم دانسته و تأکید داشته که والدین و دولت باید به آموزش و تربیت فرزند توجه داشته باشند، ماده ۱۲ نیز تقریباً همین نکته را ملحوظ داشته است.

مورد علم بیان شد، حاکی از این بود که کسب علم و دانش یک فریضه دینی است و جایگاه علم و عالم بسی ارزشمند و مورد قدردانی می‌باشد. همچنین در بسیاری از احادیث دیگر کسب علم را به یک دوره سنی خاص و یا قشر مشخص محدود و مقید نکرده است، بلکه بر عموم مسلمانان و بلکه بشریت توصیه و امر کرده است. فقط آن چه از نظر شریعت اسلامی مورد توجه است، مساله رعایت حجاب و عفاف است که نه تنها در کسب علم، بلکه در همه امور زنده‌گی باید رعایت شود. البته کشور مسلمان افغانستان به این وجیهه دینی خود پیش از این پایند و مصمم بوده است.

یک تعداد احادیث وجود دارد که کسب علم و بعضی کارها (اشتغال) را برای زنان مناسب ندانسته‌اند و بسیاری با همین روایت‌ها علیه اسلام استدلال می‌کنند. طالبان نیز با چنین احادیث و روایاتی، زنان را از تحصیل و کسب دانش باز داشته‌اند. با مطالعه سیر تاریخی و اجتماعی جوامع مسلمانان و بیان زمان آن حدیث، اندیشمندان و علمای مسلمان چند پاسخ را در باب این مساله داده‌اند. نخست: قاعده کلی در اسلام این است که باید احادیث را بر قرآن کریم عرضه کنیم. اگر آن حدیث با قرآن هم‌خوانی داشت، که فی‌ها و الا باید آن را کنار بگذاریم. از پیامبر اسلام نیز حدیثی با این مضمون داریم که احیای را بر قرآن عرضه کنید. دوم، تشکیک در سند حدیث؛ این که اصل در قرآن و اصول مسلم دینی تعلیم و کسب آگاهی است، پس چنین احادیثی که زنان را از درس نهی کرده باشند، قطعاً سلسله سندی ضعیف دارند. سوم، مهم‌ترین پاسخ این است که بعضی احادیث به مناسبت حادثه و قضیه مشخص بیان شده‌اند و به تعبیر منطقیون، آن احادیث «قضیه شخصی» اند و حمل بر عموم نمی‌شوند.

پرسش این است: آیا از نظر نصوص دینی منع تحصیلی وجود دارد؟ با توجه به مطالب پیش گفته، روشن شد که هیچ‌گونه نصی مبنی بر ممنوعیت تحصیلی (اعم از مرد و زن) وجود ندارد، بلکه تحصیل علم، فریضه دینی محسوب می‌شود. فرض نگارنده این است که تصمیم و فرمان‌هایی که طالبان در مورد تحصیل و آموزش زنان اتخاذ و صادر می‌کنند، ناشی از هنجار قبیله‌ای این گروه است. به بیان دیگر، منع تحصیل دختران و زنان ریشه در نصوص و آموزه‌های شریعت ندارد، بلکه آبخشور هنجارهای قبیله‌ای و فرهنگی این گروه است.

هنجارهای قبیله‌ای طالبان

الف) پشتونیسیم

در مقاله دیگر تبارشناسی و مکاتب فکری طالبان مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت که این‌جا نمی‌خواهیم دوباره آن را تکرار کنیم. آن چه در این سطور بحث می‌شود، فرهنگ پشتونیسیم است. پشتونیسیم اقدامات و حرکات‌هایی را گویند که سیاست‌مداران و حاکمان پشتون، فرهنگ و هویت خود را بالای دیگران به شیوه‌ها و ابزارهای مختلف تحمیل و تطبیق می‌کنند. این مساله ریشه در ساختار اجتماعی و سیر تاریخی افغانستان دارد. از گذشته‌های دور قدرت و منابع همیشه به‌گونه نامتوازن و ناعادلانه در این کشور وجود داشته که این قوم با برخورداری از قدرت، هویت و ارزش‌های خود را بالای دیگر اقوام و گروه‌ها تحمیل کرده است (نمی‌خواهیم از لحاظ تاریخی این مقوله را بررسی کنیم).

داوود دشتبانی (۱۴۰۱) در مورد پشتونیسیم چنین می‌نویسد: «پشتونوالی یا پشتون‌گری نظام و سنت رفتاری قبیله‌ای در میان پشتون‌ها است و پاسداری از خانواده، طایفه و آبرو اصول اساسی آن را تشکیل می‌دهد. قوانین پشتونوالی بسیار کهن هستند و از سنت‌های قبیله‌ای پیش از اسلام ریشه می‌گیرند. قوانین آن به‌ویژه کین‌خواهی و خون‌خواهی و اجبار دختران برای ازدواج به منظور پایان خون‌خواهی و دعوای قبیله‌ای و پناه دادن، از جمله قوانین باستانی جوامع ایلی است. قواعد پشتونوالی برای پشتون‌ها حکم می‌کند که چه رفتاری «آبرومندان» و «شرافتمندان» است و چه رفتاری چنین نیست. مفاهیمی چون ننگ و ناموس و غیرت و خانه‌نشینی زنان و آماده‌گی برای جنگ و ستیز از اصول هویت پشتونوالی است.

ادامه در صفحه ۷



سیدمحمد موسوی

کرده است. قانون اساسی مصر نیز در اصل ۱۸ بیان کرده است: «حکومت به تضمین آموزش همه‌گانی به‌ویژه آموزش ابتدایی که اجباری است، موظف می‌باشد.» قانون اساسی کوریای جنوبی نیز آموزش ابتدایی را در اصل ۳۱ خود، اجباری و رایگان اعلام کرده است. در قوانین داخلی ایران نیز عبارت «برای همه» (ماده سوم) به کار رفته است. هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس، مرام، مسلک یا عقیده‌ی دینی و مذهبی وجود ندارد. (همان) آن چه در قوانین داخلی همه کشورها لحاظ شده، این است که در هیچ کشوری تحصیل و کسب علم منع قانونی ندارد.

طبق روایات مشترکه و نظریه مفسران قرآن کریم، ابتدای گفت‌وگوی خداوند سبحان و نزول وحی با پیامبر رحمت، سوره «العق» است. خداوند خطاب به پیامبر(ص) فرموده است: «إقرأ»، یعنی بخوان. آغاز وحی با این کلمه برای مسلمانان پیام دارد. پیامش این است که علم‌آموزی و کسب دانش را ارج و گرمی بدارید. جریان سجده فرشته‌گان به استثنای ابلیس، به حضرت آدم، نشان از عظمت و مقام «علمی» او بود. وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره، آیه ۳۱). ترجمه: «و خداوند همه اسما (حقایق و اسرار هستی) را به آدم آموخت، سپس آن‌ها را به فرشته‌گان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی این‌ها به من خبر دهید.» اما فرشته‌گان از این امر عاجز ماندند. تنها انسان بود که حقایق و معرفت جهان را بیان کرد. لذا انسان ظرفیت نامحدودی در کسب علم و دانش دارد. این که قرآن می‌فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (الزمر، آیه ۹). حرف «هل» از آدات استفهام است و در این‌جا برای استفهام انکاری آمده است. مفهوم آیه این است: آن‌هایی که می‌دانند (عالم‌اند) با آن‌هایی که نمی‌دانند، برابر نیستند. به بیان دیگر، خداوند انکار

قانون اساسی مصر نیز در اصل

۱۸ بیان کرده است: «حکومت

به تضمین آموزش همه‌گانی

به‌ویژه آموزش ابتدایی که

اجباری است، موظف می‌باشد.»

قانون اساسی کوریای جنوبی نیز

آموزش ابتدایی را در اصل ۳۱

خود، اجباری و رایگان اعلام کرده

است. در قوانین داخلی ایران

نیز عبارت «برای همه» (ماده

سوم) به کار رفته است.

کرده است از این که جایگاه این دو مساوی باشد. نبی اکرم (ص) در روایات زیادی مسلمانان را به کسب علم و دانش تشویق و ترغیب کرده، بلکه بالاتر از آن، تحصیل علم را فریضه دینی و وجیهه دانسته است. پیامبر(ص) فرموده است: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ (تنبیه الخواطر و نزهه النواظر: ۱۷۶/۲). ترجمه: تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمان فرض است. البته عده‌ای در این حدیث شریف اشکال وارد کرده‌اند. اشکال این است که در بعضی روایت‌ها، لفظ «مسلم» به تنهایی آمده است، پس زنان را شامل نمی‌شود. جوابی که به این اشکال داده می‌شود، این است که در زبان عربی اصل بر صیغه «مذکر» است و اگر در روایتی تنها مذکر آمده باشد، این از باب قاعده تغلیب هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان. در حدیثی دیگر از پیامبر(ص): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (الكافی، ج: ۱، ۳۰). ترجمه: طلب علم بر هر مسلمان فرض است. حدیث دیگر از حضرت پیامبر(ص): طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (مشكاة المصابيح). ترجمه: طلب علم بر هر شخص مسلمان فرض است. در روایت دیگر پیامبر رحمت در باب منزلت و مقام عالم و ثواب آن فرموده است: مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَّبِعُ أَجْنَحَتَيْهَا لَطَالِبَ الْعِلْمِ رِضًا بِمَا يَصْنَعُ، وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكُوَاكِبِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَفْهَرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّىٰ الْحَيَاتِ فِي جَوْفِ مِنَ الْمَاءِ، وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ فَقَدْ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ (صحيح البخاری، ج: ۹، ۱۰۱). ترجمه: از ابو دردا رضی الله عنه روایت شده که گفت از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: آن که در راهی رود که در آن طلب علم کند، خداوند برایش راهی را به سوی بهشت آسان می‌کند. همانا فرشته‌گان به واسطه رضایتی که از کارش دارند، بال‌های خود را برای طالب علم می‌گسترانند و همه کسانی که در زمین و آسمان‌اند، حتا ماهی‌ها در آب، برای عالم‌آموزش می‌طلبند و فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستاره‌ها است و این که علما میراث‌بر پیامبران‌اند و پیامبران درهم و دیناری به میراث نگذاشته‌اند، بلکه علم را به ارث گذاشته‌اند. کسی که آن را گرفت، بهره وافر گرفته است.

برای این که بحث به اطاله کلام نکشد، به همین اندازه از روایات پیامبر گرمی اسلام بسنده می‌کنیم و جست‌وجوی بیشتر را برعهده خواننده فکور و حقیقت‌طلب واگذار می‌کنیم.

آن چه از آیات قرآن کریم و احادیث نبی اکرم در

مشکل سیاست...

توماس وست، نماینده خاص ایالات متحده برای افغانستان، در هفته اول ماه دسامبر در دلی نو با عبدالله عبدالله، رییس اجراییه دولت سابق افغانستان، دیدار کرد و در عین حال از «کمک‌های بشردوستانه قابل توجه هند و تعهد آن کشور به حقوق اساسی افغان‌ها قدردانی نمود.» آیا هدف اصلی پاکستان برای کاهش نفوذ سیاسی هند در افغانستان نتیجه عکس داده است؟ چنین به نظر می‌رسد.

دولت پاکستان چه گزینه‌هایی در اختیار دارد؟

با توجه به تجربیات گذشته، گزینه مذاکره ممکن است کنار گذاشته شود. هر اقدامی در مسیر صلح مستلزم تایید قبلی پارلمان است و پارلمان باید از طریق گفت‌وگوهای عمومی مزایا و معایب مذاکرات صلح را برای جامعه بسنجد. اما ممکن است اکثر پاکستانی‌های غیرنظامی که سال‌ها رنج اصلی اقدامات مرگ‌بار تروریستی تی‌تی‌پی را متحمل شده‌اند، از گزینه مذاکره حمایت نکنند. مردم پاکستان اصولاً باید مخالف ایده عفو تی‌تی‌پی به خاطر جنایات آن گروه علیه بشریت باشند و با ادغام آن به‌عنوان یک گروه مشروع در جامعه، مخالفت کنند.

از سرگیری خصوصت‌ها توسط تی‌تی‌پی، باعث شده است که دولت پاکستان استراتژی خود را در برخورد با آن گروه بازنگری کند. گفته می‌شود که دولت تصمیم دارد برای جلوگیری از موج تازه خشونت تی‌تی‌پی، به اقدام نظامی متوسل شود. بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه ارانا ثنالله، وزیر داخله، و کمیته امنیت ملی پاکستان تاکنون از احتمال اقدام نظامی سخن گفته‌اند.

بلاول در سفر اخیرش به آمریکا به رسانه‌ها گفت که پناه‌گاه امن تی‌تی‌پی «خط سرخ ما است. ما آن را تحمل نخواهیم کرد. ما حاضریم برای اطمینان از مصونیت و امنیت مردم خود، تک‌تک گزینه‌ها را در نظر بگیریم.» بلاول نزاکت‌های دیپلماتیک را رعایت کرد، اما ارانا ثنالله، وزیر داخله پاکستان، به‌طور صریح گفت که قوانین بین‌المللی به پاکستان اجازه می‌دهد تا بیرون از مرز کشور اقدام نظامی کند.

ایالات متحده مدتی قبل برای مقابله با شورشیان تی‌تی‌پی و تامین امنیت مرزها به پاکستان پیشنهاد کمک داد. جنرال مایکل ای کوریل، رییس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) گفته است که کشورش نگران تهدیدات تی‌تی‌پی برای امنیت و ثبات پاکستان است. او ماه گذشته در جریان سفر خود به اسلام‌آباد گفت: «در طول بازدید من از مرکز فرماندهی اردوی پاکستان درباره فرصت‌های مقابله با این تهدید صحبت کردیم.»

با این حال، ماهیت عملیات نظامی احتمالی توسط پاکستان مشخص نیست؛ زیرا تحریک طالبان پاکستان در هیچ نقطه‌ای از مناطق قبایلی که زمانی عملاً بر آن‌ها حکومت می‌کرد، حضور سازمان‌یافته‌ای ندارد. به همین دلیل تروریست‌های تی‌تی‌پی وقتی اخیراً در حمله بر ریاست مبارزه با تروریسم بنو تحت محاصره قرار گرفتند، خواهان «گذری امن» به افغانستان شدند. پناه‌گاه امن تی‌تی‌پی در آن سوی مرز است. آیا اردو با استفاده از طیاره‌های سرنشین‌دار یا بی‌سرنشین، علیه اهداف تی‌تی‌پی در آن سوی مرز اقداماتی خواهد کرد؟

اقدام نظامی بیرون‌مرزی، در گذشته نیز انجام یافته است. در اپریل ۲۰۲۲، پاکستان حملات هوایی را علیه اهداف تی‌تی‌پی در ولایات خوست و کتر انجام داد که باعث تلفات غیرنظامیان نیز شد. اما این گزینه مشکلات فاجعه‌باری در پی خواهد داشت و برای کشورهای دیگری که یک‌دیگر را به پناه‌دهی به تروریستان متهم می‌کنند، الگوی خطرناکی خواهد شد. در عین حال، چنین اقدامی می‌تواند روابط پاکستان و طالبان افغانستان را صدمه بزند و چنان‌که شاهد بودیم، حمله هوایی قبلی با واکنش تند کابل مواجه شد. ذبیح‌الله مجاهد آن را «ظلمی» خواند که «راه را برای دشمنی بین افغانستان و پاکستان» هموار می‌کند. او هشدار داد که اسلام‌آباد «باید بدانند اگر جنگی شروع شود به نفع هیچ طرفی نخواهد بود.»

حملات نظامی در آن سوی خط دیورند احساسات ضد پاکستانی را نیز نیروی تازه می‌بخشد، در صفوف طالبان عمل‌گرایان را به حاشیه می‌راند و حمایت از تی‌تی‌پی را در افغانستان افزایش می‌دهد. پذیرش کمک ایالات متحده برای عملیات ضد تی‌تی‌پی در داخل افغانستان، ممکن است بی‌اعتمادی بین پاکستان و طالبان افغان را به حد بی‌بازگشت تشدید کند؛ زیرا رژیم مذهبی طالب آن را تکرار «خیانتی» خواهد دانست که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پاکستان «مرتکب» شد.

منع تحصیل زنان...

این وضعیت تأسفیب‌بار (پشتونیسیم) را حتا در دوران دموکراسی نیز شاهد بودیم، این‌که جناب اشرف غنی (رییس‌جمهور)، از کشور فرار کرد، خودش آشکارا تقدیم حکومت به دست طالبان که از قوم پشتون است، می‌باشد. باروی کارآمدن طالبان و تقسیم‌بندی ساختار قدرت، نیز شاهد بودیم که از رهبری گرفته تا تمام وزارت‌خانه و دیگر پست‌های کلیدی به طالبان واگذار شد و این همان مساله پشتونیسیم است. پشتونیسیم با آن‌که یک حربه است برای کوبیدن و له کردن و محدود نمودن دیگران، اما یک چالش عمده برای آینده این قوم (پشتون) و منافع ملی به شمار می‌رود. پشتون‌گرایی باعث تضعیف روند ملت‌گرایی، انسجام ملی و عدم تعریف منافع ملی می‌گردد.

از ویژه‌گی‌های پشتونیسیم^۲ سلطه‌جویی، برتری طلبی انحصارگرانه قومی، تعصب، تحجر مذهبی و فکری می‌باشد. (خبر آنلاین، کد خبر ۲۳۰۹۶۸). فرهنگ و هنجار گروه طالبان مبتنی بر تحجر فکری و برداشت دگم‌اندیشانه از دین است. این گروه آن‌چه از دین و شریعت آموخته است، سخت‌حداقلی با دنیای مدرن و اندیشه امروزی دارد. با توجه به مباحث پیش‌گفته، تبیین شد که هیچ‌گونه نصی مبنی بر منع تحصیل زنان وجود ندارد؛ اما آن‌چه طالبان از شریعت سخن می‌گویند، شریعت نه، بلکه همان فرهنگ پشتونیسیم است که زنان باید در کنج خانه بمانند و تعاملی با دنیای بیرون نداشته باشند. در این فرهنگ زن کالا، ابزار، فرع بر مرد، برای مرد، در خدمت مرد و جنس دوم شمرده می‌شود. همین است که طالبان تمام‌قامت در مقابل همه واکنش‌های دختران، زنان، نهادهای جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری می‌ایستند و فقط دنبال تحمیل خواسته‌ها و اندیشه‌های خودند.

ب) ننگ افغانی

در بحث پشتونیسیم اشاره شد که طالبان با توجه به این‌که در داخل این هنجار شخصیت و شاکله وجودی‌شان شکل گرفته است، اندیشه و باورهای آن‌ها زن را جنس دوم و فرع بر مرد می‌داند. اما در مقوله «نگ افغانی» دیدگاه و روایت در مورد زن بسیار اندیشه‌سوز و متصلبانه است. ننگ افغانی به آن هنجارها و ارزش‌هایی اشاره دارد که برخاسته و نشأت‌گرفته از فرهنگ قومی و روستاهای افغانستان است. در فرهنگ روستایی، دختر یا زن حق انتخاب و آزادی ندارد و نمی‌تواند بدون اجازه مرد (پدر، شوهر، برادر، کاکا، پدرکلان و...) تصمیم بگیرد. هنجارهای روستایی به‌گونه‌ای است که دختر وقتی به سن بلوغ می‌رسد (و گاه هم زودتر) نباید دیگر مرد و یا نامحرمی او را ببیند و یا او نامحرم را ببیند؛ حتا شوهر تا زمانی که دختر نامزدش است و او را به خانه‌اش نبرده، حق دیدن و گشت‌وگذار با او را ندارد... هرچند این فرهنگ

در غالب روستاهای افغانستان دیده می‌شود، اما در مناطق طالب‌نشین با غلظت و شدت بیشتر است.

با درنظرداشت این‌که رهبران و سران طالبان در کلان‌شهرها و کشورهای بیرونی بزرگ شده‌اند (باز هم همان اندیشه‌های سنتی و قبیله‌ای در آن‌ها است)، اما سربازان و دیگر گروه‌های طالبان از روستاها و مناطق برون‌شهری آمده‌اند که در درون هنجارهای سنتی و کلیشه‌های زن‌ستیزانه، اندیشه و باورهای‌شان شکل گرفته است. برای چنین افرادی، قابل قبول نیست که یک دختر به تنهایی به کورس یا دانشگاه برود و یا هم سوار موتر شود. وحید مژده می‌نویسد: «ملا محمدغوث در پاسخ هیأت سازمان ملل در مورد تحصیل دختران گفت که ما به افراد نظامی خود تعهداتی داریم که یکی از آن جمله ممانعت از کار و تحصیل است. اگر ما این تعهد را نقض کنیم، نظامیان ما خطوط جبهه را رها خواهند کرد و به روستاهای خویش بازخواهند گشت.» در یک مصاحبه رسانه‌ای مولوی ندامحمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان، ابراز داشت که بعضی رشته‌ها و علوم با وقار و عزت زن افغانی همخوانی ندارد. این سخن نشأت‌گرفته از همان ننگ افغانی و سنت‌های قبیله‌ای است؛ هنجارهایی که زن را در چارچوب خانه تعریف می‌کند. بدین لحاظ، این نوع نگاه به زنان، یک چالش فراروی تحصیل آن‌ها قرار می‌گیرد.

ج) تقلیدگرایی^۲

تقلیدگرایی به رفتارها و عمل‌کردهایی اطلاق می‌شود که مبتنی بر عقل و تحلیل اندیشه‌ورزی نباشد. مدارس دیوبندی و حقایقه که لانه‌ها و محلات تربیت و تحصیل طالبان به شمار می‌روند، سیستم آموزشی سنتی، عقل‌ستیز، مخالف دروس فلسفی و عصری، زن‌ستیزانه و... دارند.^۳ رهبران طالبان در مدرسی تحصیل و تعلیم یافته‌اند که عقل‌گرایی و اندیشه‌ورزی در آن‌جا یک عمل ناروا و زشت شمرده می‌شود. آن‌چه در آن مدارس معمول است، دستورهای از بالا به پایین و بدون چون‌وچرا، عدم تفکر در آموزه‌های دینی، تسلیم به گفته گذشته‌گان، تقلید در همه امور شرعی و تقدیس همه احادیث و روایات دینی است. سران طالبان در چنین محیط و مدرسی درس خوانده‌اند. قطعاً تصامیم و رفتارشان نیز بدون اندیشه‌ورزی و دورنگری است. آن‌ها به این مساله کاری ندارند که کدام حدیث حسن، مشهور، موثق و کدام یک ضعیف و نامعتبر است، و یا هم آن احادیثی که زنان را از بعضی مشاغل نهی کرده، در چه زمانه و زمینه‌ای بیان شده‌اند (اشاره به شرایط جامعه‌شناختی و تاریخی حدیث). همچنان بعضی روایاتی که از تحصیل نهی کرده، در چه مساله‌ای بوده است. آیا قضیه شخصیه بوده است؟ سلسله حدیث به کجا ختم می‌شود؟

رجال حدیث توثیق شده است؟ و... از نظر آن‌ها، هر سخنی که با اسم مبارک پیامبر(ص) شروع شود، حدیث است و باید عملی شود.

تممه بحث

بیان شد که تحصیل علم و دانش حق طبیعی و اساسی انسان‌ها است. منشور جهانی حقوق بشر در سازمان ملل و قوانین داخلی کشورها به‌عنوان پشتوانه و ضامن این حق (تحصیل علم) به شمار می‌روند. قرآن کریم به‌عنوان وحی و احادیث پیامبر مکرم(ص) تأکید ویژه بر علم‌آموزی داشته‌اند. فراتر از آن کسب علم را به‌عنوان فریضه دینی قلمداد کرده‌اند. هرچند بعضی احادیث وجود دارند که برخی مشاغل و یا هم تحصیل زنان را روا ندانسته، اما با توجه به پاسخ‌هایی که بیان شد، روشن شد که آن‌ها در قدم نخست با قرآن کریم هم‌خوانی ندارند، دوماً قضیه شخصیه است، سوماً پاسخ علما این است که سلسله سندی و روایی احادیث ضعف دارند. اما آن‌چه به‌عنوان مانع و چالش سد راه تحصیل زنان افغانستان قرار گرفته، هنجارهای قبیله‌ای است که طالبان در بستر آن رشد کرده‌اند. این هنجارها، پشتونیسیم، ننگ افغانی و تقلیدگرایی‌اند. این نکته را باید مد نظر داشت که هنجار قبیله‌ای با توجه به شاخص‌های آن که ذکر شد، یکی از عوامل سد راه تحصیل زنان است. عامل‌های دیگری نیز وجود دارند که باید بررسی شوند.

فهرست منابع

- بخاری، محمدبن اسماعیل. (۱۳۹۱). صحیح البخاری، ج ۹.
- حلی، ورام بن فارس. (۱۳۷۸). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۹۳). اصول الکافی، قم: انتشارات دارالتقین.
- کمالان، سید مهدی. (۱۳۸۶). منشور سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات کمالان (چاپ اول).
- مژده، وحید. (۱۳۸۲). افغانستان و پنج سال سلطه‌ی طالبان. تهران: نشر نی.
- مشکاة المصابیح محمد بن عبد الله الخطیب التبریزی .
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر میزان (چاپ چهارم).

- از همین نگارنده، تحت عنوان: بررسی رویکرد طالبان نسبت به زنان.
- تذکار می‌رود که منظور نگارنده از پشتونیسیم که در مورد طالبان به کار می‌برد، متفاوت از آن پشتونیسیم است که در مورد قوم پشتون حمل می‌شود، چه این‌که اولی شدیدتر و آتشین‌تر و سخت‌گیرانه‌تر از دومی است.
- تقلیدگرایی از آن لحاظ که تبدیل به یک «رویه» و «سبک» رفتار در بین گروه طالبان شده، به‌عنوان یک شاخص هنجاری درون‌گروهی تعیین گردیده است.
- ر. ک: به همان مقاله که ذکر آن قبالا رفت.

خالد قادری پس از یک سال از زندان طالبان آزاد شد

پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، شماری از جوانان به دلیل نشر مطالب انتقادی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازداشت و زندانی شده‌اند. در تازه‌ترین مورد، جوانی در غور چهار روز پیش در پی انتقاد از ممنوعیت تحصیل دختران از سوی طالبان بازداشت شد و هنوز از سرنوشت او خبری نیست.

خالد قادری سال گذشته به دلیل نشر مطالب انتقادی توسط استخبارات طالبان بازداشت و سپس از سوی دادگاه نظامی طالبان به یک سال حبس محکوم شد. هرچند منابع خبر رهایی خالد قادری را تأیید کرده‌اند، اما اعضای خانواده او هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

۸صبح، هرات: منابع محلی در هرات از آزاد شدن خالد قادری، شاعر و خبرنگار، از زندان طالبان خبر می‌دهند. منابع محلی در هرات روز سه‌شنبه، ۱۳ جدی، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که خالد قادری، خبرنگار و شاعر، پس از سپری کردن حدود یک سال در زندان طالبان آزاد شده است.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سر دبیر: حبیب بهش
مسول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

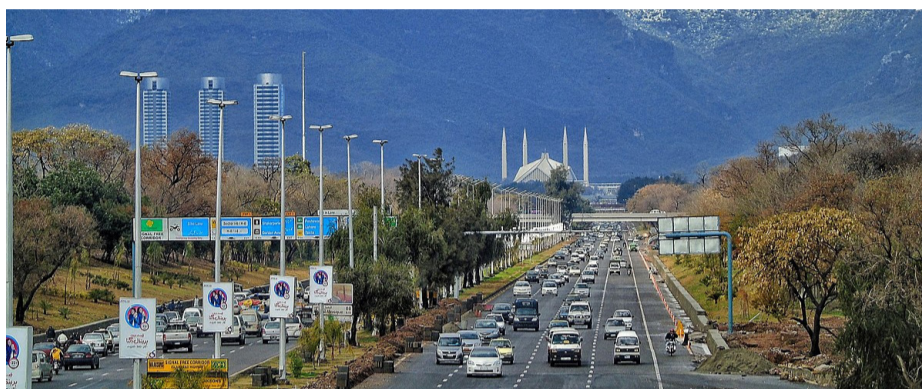
Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرای: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

به دنبال اوج‌گیری حملات طالبان پاکستان بر اهداف نظامی در این کشور، نخست‌وزیر پاکستان از تغییر رویکرد دولتش در قبال گروه‌های تروریستی خبر داده است. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، روز سه‌شنبه، ۳ جنوری، در توییتی از تصمیم‌های تازه شورای امنیت ملی این کشور سخن گفته است. به گفته شریف، سیاست تحمل‌پذیری در قبال گروه‌های تروریستی پس از این به صفر خواهد رسید. نخست‌وزیر پاکستان تأکید کرده که تأمین صلح در این کشور غیرقابل مذاکره است. این در حالی است که به دنبال اعلام حکومت سایه از سوی تی‌تی‌پی، وزیر داخله پاکستان در اظهاراتی حق حمله بر پناه‌گاه‌های طالبان پاکستانی در افغانستان را برای اسلام‌آباد محفوظ دانسته است.

موسسه مطالعات درگیری و امنیت پاکستان:

حمله‌های ۲۰۲۲ برای پاکستان طی پنج سال گذشته بی‌پیشینه بود



می‌گوید که پاکستان در سال ۲۰۲۲ در مقایسه با سال قبل، شاهد افزایش ۲۸ درصدی حمله‌های تروریستی بود. برنیاد این گزارش، سال گذشته میلادی ۳۷۶ حمله مسلحانه در پاکستان صورت گرفت که در آن ۵۳۳ تن

موسسه مطالعات درگیری و امنیت پاکستان با نشر گزارشی گفته است که پاکستان در سال ۲۰۲۲ شاهد افزایش ۲۸ درصدی حملات مرگ‌بار تروریستی بود. این موسسه روز سه‌شنبه، ۳ جنوری، با نشر گزارشی

هرانا:

قربانیان اعتراضات در ایران به بیش از ۵۰۰ تن رسیده است



کشته و ۸۳۲ تن دیگر زخمی شده‌اند. این موسسه افزوده است که حمله‌های ۲۰۲۲ از نگاه تعداد برای پاکستان طی پنج سال گذشته بی‌پیشینه بود و برای اولین بار پس از سال ۲۰۱۷، با بیش از ۳۰۰ حمله در یک سال مواجه شد که تعداد تلفات آن بعد از ۲۰۱۸ به بیش از ۵۰۰ تن رسیده است. آخرین ماه سال ۲۰۲۲ شاهد ۴۴ درصد از حمله‌هایی بود که این کشور در سال گذشته با آن مواجه شد. این حمله‌ها در دسامبر ۸۸ درصد در خیبرپختونخوا و ۵۴ درصد در بلوچستان افزایش یافت. در گزارش تذکر یافته است که تحریک طالبان پاکستان و ارتش آزادی‌بخش بلوچ مسوولیت بیشتر حمله‌ها را برعهده گرفته‌اند.

این در حالی است که چندی پیش نیز مرکز تحقیقات و مطالعات امنیتی پاکستان (CRSS)، گفته بود که دسامبر ۲۰۲۲ مرگ‌بارترین ماه برای نیروهای امنیتی این کشور در یک دهه اخیر بوده است.

ارگان خبری فعالان حقوق بشر ایران (هرانا) اعلام کرده است که از آغاز اعتراضات سراسری در ایران تا کنون دست‌کم ۵۱۶ تن کشته شده‌اند.

براساس گزارش هرانا که روز سه‌شنبه، ۳ جنوری نشر شده، دست‌کم ۷۰ تن از کشته‌ها کمتر از ۱۸ سال سن داشته‌اند.

هرانا افزوده که حکومت ایران بیش از ۱۹ هزار تن را در پیوند به این اعتراضات بازداشت کرده که تنها هویت چهار هزار و ۵۶۶ تن آن‌ها مشخص شده است.

براساس گزارش این نهاد ناظر حقوق بشری مستقر در امریکا، شمار دانشجویان بازداشت‌شده هم در این مدت ۶۸۷ نفر اعلام شده است.

از سویی هم، دیده‌بان حقوق بشر ایران مستقر در اوسلو، پایتخت ناروی، چند روز پیش اعلام کرد که دست‌کم ۱۰۰ معترض در ایران با اتهاماتی مواجه‌اند که مجازات آن مرگ است.

اعتراضات ضد حکومتی در ایران از سپتامبر سال گذشته در واکنش به مرگ مهسا امینی، دختر ۲۲ ساله کرد ایرانی که در بازداشت نیروی گشت ارشاد جان باخت، شروع شده و تاکنون ادامه دارد.

بریتانیا سپاه پاسداران ایران را گروه تروریستی اعلام می‌کند

دولت در خصوص سپاه پاسداران ایران اعلام کرده‌اند. با اعلام سپاه پاسداران به‌عنوان گروه تروریستی، عضویت در این سازمان، اشتراک در جلسات آن، حمل‌نشان‌های مربوط به آن در نظر عمومی و تشویق به حمایت از فعالیت‌های سپاه پاسداران در بریتانیا جرم پنداشته خواهد شد.

قرار است امریکا و کانادا نیز به‌عنوان شرکای بریتانیا در ائتلاف اشتراک‌گذاری اطلاعات پنج چشم که استرالیا و نیوزیلند نیز از اعضای آن هستند، گام‌های مشابهی در این زمینه بردارند.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که قرار است بریتانیا سپاه پاسداران ایران را به‌عنوان گروه تروریستی اعلام کند. تلگراف روز دوشنبه، ۲ جنوری، گزارش داده که این تصمیم در پی افشای ۱۰ پلان آدم‌ربایی و قتل افراد در سال ۲۰۲۲ از سوی عناصر مربوط به سپاه پاسداران در بریتانیا گرفته شده است.

برنیاد معلومات تلگراف، قرار است تا چند هفته دیگر تصمیم‌شناسایی سپاه پاسداران ایران به‌عنوان یک گروه تروریستی به‌گونه رسمی اعلام شود.

وزیران امنیت و داخله بریتانیا نیز حمایت‌شان را از تصمیم



نخستین فضانورد ترکیه امسال به ایستگاه فضایی بین‌المللی اعزام خواهد شد



خواهد شد.

او افزوده است: «آماده‌سازی برای اولین مأموریت ماه را آغاز کرده‌ایم. به پایان اعزام یکی از شهروندانمان به فضا نزدیک می‌شویم. همچنان اولین زیرساخت آزمایش زبرداری کشور را آماده کرده‌ایم.»

این در حالی است که سه فضانورد چینی که شش ماه پیش برای تکمیل ایستگاه فضایی این کشور به مدار زمین رفته بودند، روز گذشته به زمین بازگشته‌اند.

رییس شورای تحقیقات سازمان پژوهش و فناوری ترکیه گفته است که اولین مسافر فضایی این کشور را در صدمین سالگرد جمهوری به ایستگاه فضایی بین‌المللی خواهند فرستاد.

خبرگزاری آناتولی روز سه‌شنبه، ۳ جنوری، به نقل از پروفیسور حسن ماندال، رییس شورای تحقیقات سازمان پژوهش و فناوری ترکیه (توبیتاک) گزارش داده است که اولین مسافر فضایی ترکیه با پروژه فضانورد و مأموریت علمی این کشور به ایستگاه فضایی بین‌المللی فرستاده

یک مرد غنایی به‌عنوان بلندقدترین مرد جهان شناخته شد

سلیمان عبدالصمد، مرد غنایی، به‌عنوان بلندقدترین مرد جهان شناخته شده است.

یک شفاخانه محلی در شمال غنا روز سه‌شنبه، ۳ جنوری، هنگام معاینات طبی به سلیمان عبدالصمد ۲۹ ساله گفته است که قدش به ارتفاع ۲.۸۹ متر رسیده است.

براساس گزارش بی‌بی‌سی انگلیسی، این رقم نشان می‌دهد که او بلندقدترین مرد جهان به شمار می‌آید.

گفتنی است که این مرد جوان چند سال پیش مبتلا به بیماری غول‌پیکری (gigantism) شده بود.

پرستار هنگام اندازه‌گیری قد عبدالصمد شوکه شده و به او گفته است: «تو از ترازو بلندتر شده‌ای.» پیش از این بلندقدترین مرد تاریخ براساس رکوردهای جهانی گینس رابرت وادلوی امریکایی بود که قدش به ارتفاع ۲.۷۲ متر رسیده بود.



یک مقام و یک افسر ارشد مبارزه با تروریسم پاکستان ترور شدند

پولیس ایالت پنجاب پاکستان اعلام کرده که افراد مسلح ناشناس محمدنوید صادق، معاون واحد ضدتروریسم پولیس پنجاب را همراه با یک افسر دیگر این اداره را ترور کردند.

براساس گزارش رسانه‌های پاکستانی، این دو افسر ارشد پنجاب روز سه‌شنبه، ۳ جنوری، در مسیر رفتن به دفتر کارشان در منطقه خانیوال پنجاب کشته شدند.

افراد مسلح پس از تیرباران این دو تن از ساحه فرار کرده و هنوز فرد و یا گروهی مسوولیت این رویداد را برعهده نگرفته است.

صادق دو سال قبل دومین مدال عالی ملکی پاکستان را به خاطر مبارزه با گروه‌های تروریستی دریافت کرده و در چند عملیات موفق علیه داعش در پنجاب نیز شرکت کرده بود.

پرویز الهی، وزیر اعلا پنجاب، از رییس پولیس این ایالت خواست تا نتیجه بررسی‌های این رویداد را با او شریک کند.

رانا ثناءالله، وزیر داخله پاکستان نیز وضعیت امنیتی ایالت پنجاب را قابل نگرانی خواند.

این در حالی است که وزیر دفاع پاکستان دو روز پیش گفته بود که اغلب حملات تروریستی در ایالت‌های خیبر پختونخواه و بلوچستان اتفاق می‌افتد و ایالت پنجاب مصون است.